

صلح، خواست مبرم زحمتکشان ایران است

آمریکادر خلیج فارس گفته است:

"به زودی در این منطقه، تحت رهبری آمریکا گروه بندی نظامی-سیاسی، مطابق التوری ناتو تشکیل خواهد شد".

هفته گذشته، عربستان سعودی با سرنگونی یک هواپیمای جنگنده ایران به وسیله نظامیان و تجهیزات جاسوسی آمریکایی، گوشه‌ای از تدارکات گسترده امپریالیسم و ارتجاع برای بهره برداری بیشتر از شرایط ناشی از گسترش تشنج و ناامنی در خلیج فارس را به نمایش گذاشت.

صادرات نفت جمهوری اسلامی از یک میلیون و هشتصد هزار بشکه به ۵۰۰ هزار بشکه در روز تنزل پیدا کرده است (فرانکفورتر آلکماینه - ۸ ژوئن ۸۴). این امر فشار غیر قابل تحمل بر اقتصاد وابسته و بحران زده جمهوری اسلامی وارد خواهد کرد.

بقیه در صفحه ۷

سفارایی امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه به بهانه مقابله با ناامنی آب راه‌های بین‌المللی در خلیج فارس تحکیم می‌شود. ایالات متحده تدارکات خود را برای دخالت نظامی مستقیم در خلیج فارس "به دعوت یکی از کشورهای منطقه" به مراحل نهایی نزدیک می‌کند. در کنفرانس سران هفت کشور بزرگ امپریالیستی، بررسی مسئله خلیج فارس و هم‌آهنگی امپریالیسم جهانی برای تأمین منافع خویش در منطقه به پیشنهاد ایالات متحده در دستور کار قرار گرفته است. فروش سلاح به عربستان سعودی و تقویت نظامی آن افزایش یافته است. تشکیل گروه بندی‌های سیاسی - نظامی نوین امپریالیستی در خلیج فارس، به بهانه افزایش تشنج در منطقه تسریع شده است. در این باره فرمانده نیروی دریایی

کتابخانه
Bibliothek in Hannover

راه توده

نشریه‌های ایران حزب توده ایران در خلیج فارس

دوشنبه ۲۱ خرداد ۱۳۶۴ مطابق
۱۱ ژوئن ۱۹۸۴
سال دوم، شماره ۹۵
پهنا: ۲۰ ریسال

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

مردم ایران خواهان پایان دادن به جنگ خانمان برانداز ایران و عراق اند

صفحه ۲

شب چراغ تابان شد

افسون باطل شد. طلسم پاسداران ستم شکست. صدای یر صلابت "کارگران جهان متحد شوید" در شعبده بازار اوراد و اذکار، طلسم، جادو، رنگ و نیرنگ، با نویدی نوین به یاری جویندگان راستی و داد آمد. شعل اندیشه و امید زحمتکشان میهن ما باز فروزان گشت: "نامه مردم" دوباره منتشر شد.

پس از آنکه حاکمیت جمهوری اسلامی در برابر سازمان ساواک ساخته حجتیه زانور زمین زد و زمین خدمت بوسید، با خشونت و درندگی نوجلادان، یورش "نهایی" خود را به حزب توده ایران، گردان رزمندگان پیشاهنگ و آگاه زحمتکشان میهن ما آغاز کرد. آنگاه ساواک پروردگان حجتیه و نعلین بوسان آنها، اعوان و انصار سابق و لاحقان و پامبری‌های ریز و درشتان دست‌افشان و پاکوبان، هلهله کنان و قیه کشان به یکدیگر تهریکی بی‌سلیبت گفتند و شب و روز به رخ "بزرگ شیطان فرمانده" کشیدند که نه رضاخان و نه فرزند معدومش محمدرضا هیچ کدام نتوانستند ضربه ای چنین کارا بر بیکر نهضت کارگری ایران فرود آورند. و اینک حزب توده ایران رفت به آنجا که مزدک بامدادان رفت. و این بار این "افتخار" باید فقط به نام حاکمیت سیاه روی جمهوری اسلامی در تاریخ ثبت گردد!

اما این "افتخار" چرکین و پلشت بسیار کوتاه عمرتر از آن بود که طراحان و مجریان آن می‌پنداشتند؛ از آن پشه‌های یک روزه بود که سحرگاه سر از تخم بدر می‌آورند و شامگاه می‌میرند. آنچه در این میان ماندنی و فراموش نشدنی است، دست‌های آلوده و روی سیاه حاکمیت جمهوری اسلامی است.

بقیه در صفحه ۲

پاسخ دندان شکن مردم انقلابی اصفهان به توطئه شورای نگهبان

تظاهرات گسترده مردم در اصفهان با شعار "مرکز شورای نگهبان" کوس و رسوایی تبلیغات فاسده جویانه حاکمیت خائن به انقلاب را علیه حزب توده ایران که گویا بین مردم و حاکمیت نفاق می‌اندازد با صدایی پرطنین به صدا در آورده است.

صفحه ۴

زحمتکشان خوزستان، تأمین خواست‌های خود را می‌طلبند

مردم این ناحیه شدت بیشتری یافته است: در بهبهان که هم اکنون ۷۵٪ اهالی آن، خانه و کاشانه خود را رها کرده و در بدترین شرایط طاقت فرسا در روستاها زیر کپرها و چادرها و... به سر می‌برند هنگامی که - روز پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت - مطابق آداب و رومشان بر مزار عزیزان خود جمع می‌شوند، این اعتراضات را به گونه‌ای

جنگ خانمانسوز ایران و عراق، به ویژه در مناطق نفت خیز و موسسات تصفیه نفت خسارات جانی و مالی جبران ناپذیری به بار آورده است. کارگران نفت و افراد خانواده آنها که به واسطه تحمیل شرایط ناکزیرند در منطقه زندگی کنند به آماج اصلی عملیات جنگی طرفین بدل شده اند. وضعیت بحرانی و دامنه نارضایتی مردم هر روز اوج می‌گیرد. مطابق خبرهای رسیده اعتراضات

بقیه در صفحه ۱۴

احسان طبری: گفتگویی با فرانسیس کافکا، درباره معنویت نبرد اینارگرانه انسان در راه خوشبختی

صفحه ۸

اوج گیری نفرت و خشم مردم ایتالیا علیه مزدوران رژیم جمهوری اسلامی

صفحه ۵

همبستگی بین‌المللی کمونیست‌های جهان در جشن "عصر ما" به خاطر تأمین صلح و پشتیبانی از رزم خلق‌ها...

صفحه ۳

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

مردم ایران خواهان پایان دادن به جنگ خانمان برانداز ایران و عراق اند

شدن تنگه هرمز و یا تهدید کشتی رانی در خلیج فارس ساکت نخواهد نشست.

تشدید جنگ و توسعه دامنه آن به دیگر کشورهای منطقه با استراتژی واشنگتن برای تبدیل خاورمیانه به عرصه اجرای طرح‌های تجاوزگرانه علیه صلح و امنیت جهانی و نهضت‌های رهایی‌بخش ملی انطباق کامل دارد.

ما از روز نخست معتقد بودیم و امروز نیز عقیده را سخ داریم، که اختلافات موجود بین دولت‌ها باید از طریق مذاکرات سیاسی حل و فصل شود. متأسفانه سران جمهوری اسلامی تا کنون به فراخوان صلح سازمان ملل متحد، جنبش عدم تعهد، سازمان کنفرانس اسلامی، الجزایر، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و نیز شخصیت‌های بین‌المللی پاسخ منفی داده‌اند. و این در شرایطی است که مبارزه علیه ادامه جنگ روز

به روز در کشور ما گسترش می‌یابد. مردم ایران خواهان صلح‌اند و برآنند که حل نظامی اختلافات بین دو کشور همسایه امکان‌پذیر نیست. ترک مخاصمه و دستیابی به یک صلح عادلانه و پایدار به نفع خلق‌های هر دو کشور، به نفع صلح جهانی و به زیان امپریالیسم است و هرچه زودتر باید عملی گردد. صلح، خواست عاجل توده‌های میلیونی زحمتکشان است و باید برقرار شود.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳ خرداد ۱۳۶۳

امپریالیسم مبارزه می‌کنند. هدف استقاری آمده‌های مخرب تجاوز اسرائیل به لبنان، تهدید استقلال سوریه و انحراف اذهان عمومی در ایران و عراق از دشمن مشترک، امپریالیسم و صهیونیسم است.

تمرکز ناوگان هفتم آمریکا و ناوگان جنگی انگلستان و فرانسه در اقیانوس هند و دهانه تنگه هرمز و اعلام خلیج فارس به عنوان منطقه "منافع حیاتی" ایالات متحده و کوشش برای جلب کشورهای عربی خلیج فارس به "فرماندهی مرکزی" که بیش از ۱۹ کشور را تحت پوشش نیروهای "اقدام سریع" قرار می‌دهد، میهن ما را با خطر جدی مواجه ساخته است. با حملات موشکی به نفتکش‌ها که رسانه‌های گروهی غرب سروصدای زیادی پیرامون آن به راه انداخته‌اند امکان چرخش جدید در جنگ ایران و عراق به وجود آمده که واشنگتن خواهان آن است.

توسعه جنگ، حضور نظامی فعال‌تر امپریالیسم آمریکا، این دشمن اصلی خلق‌های تحت سلطه را در این منطقه مهم استراتژیک و نفت‌خیز فراهم می‌آورد.

به نوشته مطبوعات غرب، سناریوی دخالت نظامی ایالات متحده در خلیج فارس به بهانه دعوت کشورهای منطقه از مدت‌ها پیش آماده شده است. رونالد ریگان در مصاحبه مطبوعاتی اخیر خود به وجود نقشه عملیات فوق‌العاده اعتراف کرد و گفت که ایالات متحده در قبال بسته

چون "جنگ، جنگ تا پیروزی"، "جنگ عامل تغییر ساخت اقتصادی" و یا "تنور جنگ را باید گرم نگهداشت" ادامه جنگ را در گستره بی‌سابقه‌ای تبلیغ می‌کنند.

به جنگ ادامه می‌دهند تا معضلات عظیم اجتماعی و اقتصادی، احتسکار و گراخی، کمبود مایحتاج زندگی، بیداد زراندوزان و مولدین فقر و ثروت را سرپوش گذارند. ادامه جنگ را تبلیغ می‌کنند تا احزاب و سازمان‌های انقلابی و ضدامپریالیستی، مدافعان راستین زحمتکشان را سرکوب و عرصه را برای یکه‌تازی ارتجاع و عمال امپریالیسم خالی کنند. و بالاخره تنور جنگ را گرم نگه می‌دارند تا زدوبند پشت پرده با امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا از انظار پنهان بماند.

تردیدی نیست که ادامه جنگ به نفع امپریالیسم و به ضرر هر دو کشور همسایه در حال جنگ است. جنگ بهانه‌های اضافی به امپریالیسم آمریکا برای تقویت موضع خود در منطقه می‌دهد. نباید از نظر دور داشت، که استراتژی فشار نظامی - سیاسی امپریالیسم امروز نیز مانند گذشته وسیله‌ای برای تأثیر در روند تکامل اجتماعی - اقتصادی و سیاسی کشورهای منطقه به شمار می‌رود.

هدف امپریالیسم از شعله‌ور ساختن آتش جنگ ایجاد کانون‌های تشنج و درگیری در منطقه به قصد تشدید اختلاف میان خلق‌های خاورمیانه و نزدیک است - که علیه سیادت

مردم میهن ما قربانی جنگ خانمان براندازی هستند که دولت‌مردان جمهوری اسلامی با سماجت بدان ادامه می‌دهند. نه شمار سرسام‌آور کشته‌ها و مجروحین و معلولین که به صدها هزار نفر بالغ می‌شود و نسل جوان ایران را تهدید می‌کند، نه وجود دو میلیون آواره جنگی، نه اختصاص صدها میلیارد ریال از بودجه کشور برای خرید تجهیزات نظامی، که سود آن به گاو صندوق‌های سوداگران مرگ، انحصارهای اسلحه‌سازی غرب سرازیر می‌شود، مانع از آن نیست، تا حکام جمهوری اسلامی همچنان جنگ را یک وظیفه شرعی اعلام نکنند.

ادامه جنگ که کوهی از مصائب، فلاکت‌ها و ویرانی‌ها به بار آورده، سیاست ترور و اختناق را در کشور تشدید می‌بخشد. هزینه‌های عظیم نظامی از سویی و جذب بخش قابل توجهی از نیروی فعال جامعه به ارتش و سپاه و بسیج و غیره از سوی دیگر، ضربات مهلکی بر پیکر اقتصاد کشور وارد می‌آورد. صنایع با ۴۰ تا ۵۰ درصد ظرفیت کار می‌کنند. تعداد بی‌کاران روز به روز افزایش می‌یابد. تولید کشاورزی در آستانه ورشکستگی کامل قرار دارد. واردات محصولات کشاورزی سرسام‌آور روبه افزایش است. فقر گسترده میلیون‌ها روستایی را به مهاجرت به شهرها مجبور می‌کند. نرخ تورم در سال گذشته به رقم ۴۰ درصد رسید.

سردمداران رژیم با طرح شعارهایی

شب چراغ تابان شد

بقیه از صفحه ۱

دیگر زحمتکشان میهن ما، در جان‌ها و دل‌های رزمندگان آگاه و زحمتکشان پیشرو و آرمان خواهان پاک‌دل و انسان‌دوست میهن مارشله مهر دوانیده است. این حزبی است که امپریالیسم را که دشمن آشتی‌ناپذیر مردم میهن ماست به آنها شناسانده است، حزبی است که مبارزه متشکل با امپریالیسم و ارتجاع را برای نخستین بار در تاریخ میهن ما به زحمتکشان آموخته است.

و باز آنچه ماندنی و فراموش‌نشدنی است، این درس تاریخ و این تجربه به کرات آزمون شده است که حزب توده ایران، دست توانا و مغز اندیشمند زحمتکشان ایران، گردان رزمنده بی‌نه به دستان میهن‌مانیست شدنی نیست. این حزبی است که به دلیل قریب نیم قرن رزم بی‌وقفه، خونین، پرایثار و خستگی‌ناپذیر خود در راه بهروزی تیره‌وزان و نیک‌بختی کارگران، کشاورزان و

از سوی سازمان‌های حزبی در خارج از کشور و شورای نویسندگان "راه توده" انتشار دوباره "نامه مردم"، پرچم پیکار خستگی‌ناپذیر مردم ایران در راه استقلال، دموکراسی، صلح و عدالت اجتماعی را به شماوز طریق شما به مردم قهرمان ایران، طبقه کارگر و کشاورزان رزمنده ایران، به همه توده‌ای‌ها، فدایی‌ها، و دیگر رزمندگان انقلابی میهنمان شادباش می‌گوییم و با شور و امید انقلابی آرزومند و چشم به راه پیروزی‌های روزافزونتان هستیم.

زنده باد کمیته مرکزی حزب توده ایران!

حزبی است که شناساننده و آفریننده فرهنگی نوین و مردمی در میهن ماست، چنین حزبی از بین بردنی نیست. آرمان‌های خلق و برنامه حزب ما چنان با یکدیگر عجین گشته‌اند که همچون نور و آیینی از هم جدایی‌ناپذیرند.

امپریالیسم و حاکمیت روسیاه جمهوری اسلامی کجا می‌توانند در برابر آرمان و اراده خلق بایستند و حزب توده ایران را براندازند؟

رفقای گرامی کمیته مرکزی حزب توده ایران!
رفقای گرامی شورای نویسندگان "نامه مردم"!

همبستگی بین‌المللی کمونیست‌های جهان در جشن "عصرما" به خاطر تأمین صلح و پشتیبانی از رزم خلق‌ها...

قطعات تئاتری که در آن شکنجه و اعدام آزادی خواهان ایرانی توسط عمال ارتجاع کلان سرمایه‌داری و بزرگ زمین‌داری به نمایش در می‌آمد، شرکت‌کنندگان در جشن مردمی حزب برادر را به واقعیت

استعمارگرانه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا می‌رزمند، تبدیل کرده بود. هواداران حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در آلمان فدرال، بنا به

بی‌گیریانه و به طور خستکی‌ناپذیر ادامه می‌دهند؛ حزب کمونیست آلمان، حزب مبارزان راستین علیه امپریالیسم و ارتجاع جهانی، حزب بشر دوستی و همبستگی خلق‌های جهان، جشن

روزهای ۲۵، ۲۶، ۲۷ ماه مه ۱۹۸۴، پانصد هزار شهروند آلمان فدرال، صدها هزار کمونیست آلمانی، هزاران دمکرات و صلح‌دوست این کشور، گروه بی‌شماری از شهروندان کشورهای دیگر که در جمهوری فدرال آلمان اقامت دارند و برای اهداف آزادی‌خواهانه و استقلال طلبانه خود پییکار می‌کنند، کرده‌م آمدند و بزرگ‌ترین جشن خلقی که صلح و دوستی در سرتوچه آن قرارداد شد، برگزار کردند.

حزب کمونیست آلمان، حزب طبقه کارگر و زحمتکشان جمهوری فدرال آلمان، جشن روزنامه خود، "عصرما" را به گردهمایی پییکار برای پیشبرد خواست‌های برحق کارگران و زحمتکشان این کشور و به ویژه خواست کاهش ساعات هفتگی کار به ۲۵ ساعت در عین حفظ حقوق و مزایا، بدل ساخت.

حزب کمونیست آلمان، حزب بی‌گیری‌ترین مدافعان صلح جهانی در این کشور، جشن عظیم مردمی خود را به میعادگاه تمام انسان‌هایی بدل ساخت که پییکار علیه استقرار موشک‌های میانبرد هسته‌ای آمریکایی در خاک میهن خود و دیگر کشورهای اروپایی و طرد جنگ از زندگی خلق‌ها و همزیستی مسالمت آمیز میان کشورهای با نظام‌های اجتماعی گوناگون و تنش‌زدایی را



کنونی میهن ما جلب کردند. رفیق هربرت میس، صدر حزب کمونیست آلمان هنگام دیدار از غرفه مشترک هواداران حزب توده ایران و هواداران سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) همبستگی ژرف خود با رزم کمونیست‌های ایرانی را مورد تأکید دوباره قرارداد. وی گفت: تاریخ مبارزات کمونیست‌ها با خون نوشته شده است. کمونیست‌های کشورهای مختلف پس از هر یورش ارتجاع توانسته‌اند باز درفش پییکار خود را برافرازند. کمونیست‌های ایرانی نیز مطمئناً با توجه به سفت چند ده ساله مبارزاتی خود خواهند توانست زخم‌هایی را که در بی‌یورش شقاوت‌آمیز ارتجاع برداشته‌اند التیام بخشند و بیشاپیش زحمتکشان برای تحقق خواست‌های آنان به پییکار برخیزند.

انتشار مجدد "نامه مردم"، ارکان مرکزی حزب توده ایران، صحت گفته‌های رفیق میس و آغاز خیزش نوین حزب توده‌ها برای کشودن فصل نویینی از تاریخ پرافتخار آن است.

دعوت حزب کمونیست آلمان در این جشن عظیم و مردمی شرکت کردند و غرفه‌ای که آرم‌های روزنامه "نامه مردم" و "کار" بر فراز آن نصب شده بود، ترتیب دادند. هواداران حزب توده ایران در آلمان فدرال با بخش نشریات آلمانی که در آن اعمال بربرمشنانه سردمداران جمهوری اسلامی علیه مبارزان ایرانی، جنایات رژیم به اهداف آزادی‌خواهانه، استقلال طلبانه و عدالت جویانه انقلاب بزرگ مردم ایران برملا شده بود، افکار عمومی دمکراتیک در سراسر جهان را فراخواندند تا با بلند کردن صدای اعتراضی خود این اقدامات مرتجعین حاکم بر میهن ما را محکوم کنند و با کوشش‌های متحدانه خود در چهار گوشه جهان، جان هزاران زندانی دگراندیش در ایران، ده‌ها هزار توده‌ای، فدایی، مجاهد و دیگر مبارزین دربند را از خطر نیستی رهایی بخشند.

گروه تئاتر هواداران حزب توده ایران با به راه انداختن راه‌پیمایی‌های نمایشی و اجرای

روزنامه خود را به تریبون اعتراضی علیه تجاوزگری‌های امپریالیسم در نیکاراگوئه انقلابی، جلب همبستگی مردم این کشور با مبارزات تمامی خلق‌هایی که برای استقلال و آزادی در میهن خود، علیه سلطه

توطئه "آیین نامه انضباطی"

"تشویقات" و "تنبیها" قصد داشت بند بر کارگران نهد و به بهانه "دیرکرد"، عدم تمکین به مقررات و غیره به دستمزد ناچیز کارگران دستبرد زند، یا آنها را مرعوب کند.

مسلمانا هنگامی که این‌گونه قوانین و آیین‌نامه‌ها بدون مشارکت نمایندگان واقعی کارگران و به دست رژیم ارتجاعی تدوین می‌شوند، در نظر کارگران ارزشی ندارند. کارگران ایران با هشیاری و عمل متحد خود این توطئه رژیم را نیز خنثی خواهند ساخت.

اخیراً سیاهپوش، معاون وزیر کار و امور اجتماعی از توطئه جدیدی علیه کارگران خبر داد. او اعلام کرد: "وزارت کار در زمینه تهیه و تدوین آیین‌نامه انضباطی جدید اقدامات بسیاری انجام داده که انشاءالله در اسرع وقت این آیین‌نامه پس از تصویب در شورای عالی کار جهت اجرا به کارخانجات ابلاغ خواهد شد."

کارگران به خوبی ماهیت این‌گونه آیین‌نامه‌های انضباطی را می‌شناسند. رژیم وابسته شاه نیز از طریق همین آیین‌نامه‌ها و به اصطلاح

پاسخ دندان شکن مردم انقلابی اصفهان به توطئه شورای نگهبان

تضاد اوج گیرنده بین خلق و ضد خلق ، بین منافع زحمتکشان و خائنین به آن در حاکمیت جمهوری اسلامی با زتاب نبرد طبقاتی رشد یابنده در میهن ما است.

توطئه شوم ساخته و پرداخته امپریالیسم و ارتجاع علیه حزب توده ایران که با نیت مفسده جویانه "ریشه کن کردن" حزب توده ایران توسط حاکمیت خائن به انقلاب به مرحله اجرا درآمد، هر روز بر ملاتر می شود. تظاهرات گسترده مردم علیه شورای نگهبان مدافع منافع سرمایه داران و بزرگ مالکان در چند روز اخیر در اصفهان جلوه ای بود که از یک سو، پرده ساتر جرم تراشی علیه توده ای ها را کنار زد و از سوی دیگر ناتوانی رژیم را در دستیابی به اهداف سوء خود که جدا کردن مردم از بی گیرترین پشتیبانان منافع خود بود، آشکارتر ساخت.

از آن هنگام که در پی رهنمودهای امپریالیسم و تبعیت و تشویق ارتجاع جانبدار بزرگ مالکی و کلان-سرمایه داری، یورش افسارگسیخته علیه حزب توده ایران آغاز شد تا به امروز مأموران دست آموز "سیا" و شکنجه گران صاحب مقام رژیم به بندهای پوسیده "بهانه" ها و "دلایل" مفسده جویانه ای توسل جستند تا جنایات موحشی که به گونه ای سیستماتیک در حق اعضا و فعالین حزب توده ایران مرتکب می شوند، برده پوشی کنند. یکی از آن "بهانه" ها که "جرم" توده ای های اعدام شده، شکنجه شده و در فراموش خانه های رژیم زنده به گور شده است گویا "ایجاد شکاف در حاکمیت"، "به" وجود آوردن اصطکاک مصنوعی بین نیروهای مسلمان و مردم"، "ایجاد جریبی اعتمادی نسبت به مسئولین" و بی اعتبار کردن "نهادهای اسلامی" از جمله شورای نگهبان بود.

ابلهانی که چشم بر نبرد رشد یابنده طبقاتی بین زحمتکشان و غارتگران می بندند، چاره ای هم جز این نمی بینند که علت را نه این تضاد طبقاتی بلکه حزب ما که آن را افشاء می کند، قلمداد کنند: "حزب توده، در سال های پس از پیروزی انقلاب از استراتژی اختلاف و اصطکاک در بین نیروهای مسلمان سود می جست و چنین خط مشی

حساب شده ای را مقدمه منطقی بحران تلقی می نمود. از طرف دیگر با تبلیغ و ترویج برخی مسائل (از جمله حل مسئله اصلاحات ارضی، قانون ملی کردن بازرگانی خارجی ...) و اصرار و افراط در مورد آن کاری می کرد که اصل مسئله زیر سؤال می رفت ... در توفان تبلیغات سازمان یافته حزب توده، عده ای گمان می کردند که لابد فلان گروه دشمن اصلی انقلاب اسلامی است ... چنین شیوه ای موجب شده بود که بذریع اعتمادی در میان مردم کاشته شود و گروه های مسلمان با سلیقه های متفاوت (مثل شورای نگهبان با "سلیقه" دفاع از سرمایه داران بزرگ و کلان زمین داران) گمان کنند که دشمن یکدیگرند ... (اطلاعات - ۲۲ اردیبهشت).

به زعم سردمداران جمهوری اسلامی و توجیه گران سیاست های خیانت بار و جنایت آمیز رژیم، این "گناهان" نابخشودنی، "جرم" های توده ای هاست. ولی واقعیت آنست که کیهان ۶ خرداد ۱۳۶۳ از زبان یکی از سردمداران رژیم جمهوری اسلامی (امام جمعه اصفهان) نبای از "وحدت اسلامی رژیم را ارائه می دهد: ... در نماز جمعه اصفهان ... یک اطلاعیه ... خوانده شد که از گوشه و کنار شنیده می شود افرادی دانسته یا ندانسته به مقامات صالحه کشور و شورای نگهبان که تعیین شده خود امام هستند توهین می شود ... بعد همان روز جمعه به کنگره (اثنه جمعه) آمدم ... بعد شنیدم ... اجتماعی شده است (و مردم سؤال می کنند) ما می خواهیم بفهمیم چرا ... انتخابات مردم اصفهان باطل شده؟ ... (مردم) به گلستان شهدا رفتند ... و بعد به درب منزل من آمده بودند ... نماینده من رفتند صحبت کردند نتیجه ای نبخشید ...

غیرمسلمان - با منافع و خواست ها و نیازهای توده های زحمتکش تعیین می کند. حزب توده ایران در شهریور ۲ سال پیش، هنگامی که قانون ملی کردن تجارت خارجی مصوبه مجلس در محاق توقیف شورای نگهبان افتاد، با صراحت اعلام کرد:

"پاسخ به این پرسش که: با موضوع گیری شورای نگهبان، حرکت انقلاب دچار فلج شده و این می تواند زیان های بسیار بزرگی به روند انقلاب ما وارد آورد، مثبت است" (پرسش و پاسخ - شهریور ۶۱).

و پس از آن هر جا که سد شورای نگهبان، راه را بر تصویب قوانین و لوایح مترقی بست، دامنه این افشاگری که از بینشی طبقاتی و اصولی نشأت می گرفت، گسترده تر شد. اکنون که موج مخالفت و اعتراض علیه شورای نگهبان بالا گرفته و به ویژه در اصفهان در سراسر سه روز تظاهرات گسترده مردم علیه قدر قدرتی شورای نگهبان، - که با تمجید و پشتیبانی بالاترین مقام رهبری از آنان به تثبیت رسید - شعار "مرگ بر شورای نگهبان" به شعار اصلی تظاهرات کنندگان بدل شد، ثمرات این افشاگری که با تجربه شخصی توده ها ارزش ویژه ای به خود گرفته و عجز رژیم در جلوگیری از نشر آگاهی بخش آن به عیان دیده می شود. اینجاست که همه طرفندهای رژیم برای "ریشه کن کردن" حزب توده ایران و محو اثرات افشاگری ها و فعالیت های انقلابی آن نقش بر آب می شود و ناتوانی رژیم از پاک کردن صفحه مبارزات اجتماعی از حضور مادی و معنوی توده ای ها و اندیشه و برنامه های راهگشای آنان با شکست مواجه می گردد. با توده های میلیونی مردم دیگر نمی توان به شیوه ای چون روش سرکوبگرانه ای که در مورد هزاران توده ای اعمال شد، رفتار کرد. آنان به راه خود، به راه تأمین خواست های استقلال طلبانه، آزادی خواهانه و عدالت پژوهانه خود می روند و در این راه دشوار و سراسر مبارزه با چراغ راهنمایی مجهزند که حزب توده ایران در این سال های کار و پیکار شبانه روزی بس از انقلاب به آنان سپرده، چراغی که در پرتو نور آن سیمای دوست و دشمن را به خوبی تشخیص می دهند!

که "توفان تبلیغات سازمان یافته حزب توده" ایران، تعیین کننده "دشمن اصلی" آرمان های انقلاب نبوده، بلکه عملکردها، موضع گیری ها و "بیانات" آنان ملاک واقعی و اصلی افشاگری های مستدل و مستند و انتقادهای سازنده و انقلابی حزب توده ایران بود و هست. همین معیارهای خدشه ناپذیر است که بین هرزه درانی های رسوا و اتهام آمیز ارتجاع و "تبلیغات" روشنگر آگاهی بخش نیروهای انقلابی خط فاصل می کشد.

به اعتبار مخدوش همین جرم بافی های مذبوحانه است که سران ضد بشر جمهوری اسلامی بیش از یک سال است توده ای های دریند را به صلابه می کشند، شکنجه می کنند، در منگنه فشارهای جسمی و روحی طاقت شکن، به نفی خود و باورها و اعتقادات دیرپای خود و می دارند، فرزندان شریف و فداکار خلق را به جوخه های اعدام می سپارند و در زیر شکنجه به شهادت می رسانند.

این نکته نیاز به تصریح ندارد که حزب توده ایران، میزان دآوری و سنجش خود را بر حسب دوری و نزدیکی و یا هم خوانی مواضع و اقدامات این و آن گروه - مسلمان و

"حفظ وحدت اسلامی"

"فردا ... حجت الاسلام انصاری از بیست امام ... گفتند که امام فرمودند شما یک اطلاعیه ای بدهید که مردم اصفهان متفرق بشوند و اگر با اطلاعیه هم کار انجام نمی گیرد، شما خودتان به اصفهان بروید. گفتم ... بگویند ... اطلاعیه ای دادم و از مردم خواستم که به مقامات کشور هیچ گونه توهین نشود ... در عین حال هر طوری امام بفرمایند عمل می کنیم. ایشان (انصاری) رفتند و برگشتند و گفتند امام می فرمایند شما الان این کار را نکنید. یا اطلاعیه بدهید و اگر اطلاعیه کافی نیست خودتان اصفهان بروید. بعد (۱) بیایید اینجا. من اطلاعیه دادم در موقعی که جمعیت خیلی زیادی به درب منزل من رسیده بودند ..."

اوج گیری نفرت و خشم مردم ایتالیا علیه مزدوران رژیم جمهوری اسلامی



"لاسیچیلیا" در شماره ۱۹ ماه مه ۲۹ اردیبهشت) در همین رابطه گزارش داد: دانشجویان خارجی و ایتالیایی کاتانیا، پس از اطلاع از وقوع این جنایت که به شیوه آدم کشان مافیای مزدوران فاشیست انجام گرفته، جلسه فوق العاده ای تشکیل دادند و ضمن ابراز همبستگی کامل خود با دانشجویان مضروب، ارتکاب چنین اعمالی را که امنیت و آزادی فردی و اجتماعی را به خطر می افکند، شدیداً محکوم کردند. در مجمع عمومی دانشجویان قطعنامه ای در این رابطه به تصویب رسید که در آن خواست های زیر مطرح گردیده است: - شناسایی کامل، بازداشت و مجازات مسببین این جنایت وحشیانه از طرف نیروهای انتظامی و قضایی،

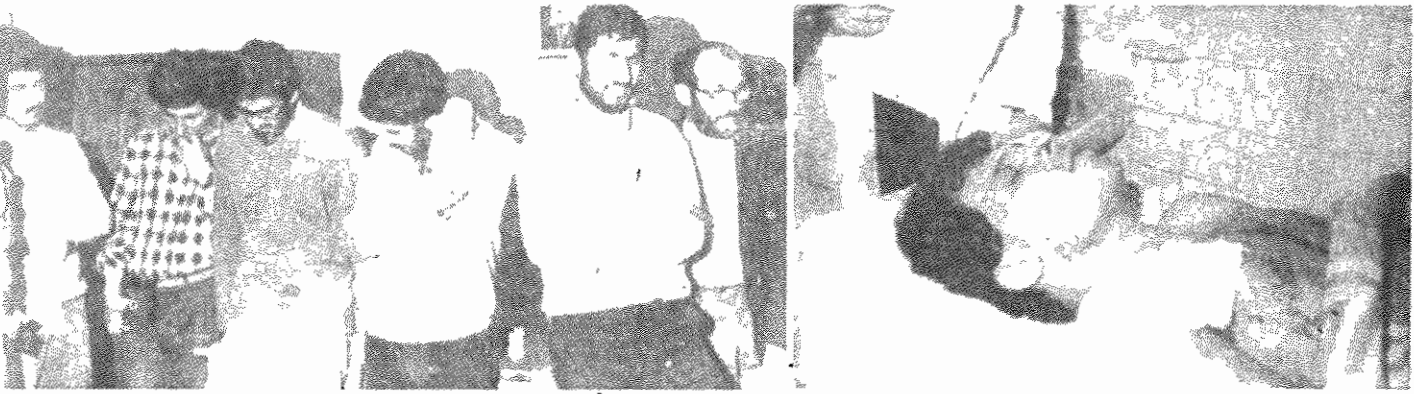
در شماره ۹۴ "راه توده"، گزارشی در باره حمله اوباشان "انجمن اسلامی" به دانشجویان ایرانی هوادار سازمان های مترقی در شهر کاتانیا-سیسیلی (جنوب ایتالیا) درج گردید. حادثه فوق در مطبوعات محلی و ایالتی این ناحیه انعکاس وسیعی یافت و محافل دمکرات سیسیلی جمله ای این اعمال وحشیانه و عاملین آن را محکوم کردند. از آنجا که چنین اعمال مدتی است در شهرهای اروپا با هدف "ارباب" ایرانیان مترقی ضد رژیم انجام می گیرد، جهت آگاه نمودن اذهان عمومی هواداران آزادی و دمکراسی ایران، دعوت آنان به اتحاد عمل در برابر این اقدامات سبعمانه و فاشیستی، مجموعه ای از اخبار مندرجه در نشریات ایتالیارادر این باره به چاپ می رسانیم.

به گروه های دیگر دانسته و در به اصطلاح بیانیه خود که در روزنامه به چاپ رسیده، باز هم به فحاشی علیه دانشجویان مترقی و کمونیست های ایتالیا پرداخته اند، زیرا که به صدور اعلامیه از محکوم کردن این جنایت و افشای عاملین آن دست زده اند.

فردی و آزادی خلق های دربند سراسر جهان". جالب توجه است که دانشجویان به اصطلاح مسلمان کاتانیا در این رابطه نامه ای به دفتر روزنامه ارسال داشته و در آن کلیه اتهامات وارده را رد کرده اند. این جانبیان مسلمان، همان گونه که در شأن

۲- تحقیق و بررسی در مورد ماهیت گروه های مشکوک ایرانیانی که به قصد پیگرد و آزار دانشجویان ایرانی مترقی به ایتالیا می آیند، از طرف وزارت داخله و خارجه ایتالیا، ۲- طرح مسئله نگرانی دانشجویان دانشگاه کاتانیا از احتمال ارتکاب چنین اعمالی در آینده در پارلمان

● روزنامه لاسیچیلیا در تاریخ ۱۶ ماه مه ۲۶ اردیبهشت - یک روز پس از وقوع حادثه، ضمن درج کامل خبر حمله چاقو کشان طرفدار رژیم جمهوری اسلامی به عده ای از دانشجویان ایرانی و ضرب و جرح



یکی از ایرانیان مترقی که بر اثر حمله اوباشان رژیم ج ۱۰ مجروح و به بیمارستان انتقال یافت. ● چند تن از مزدوران جنایتکار رژیم که پس از بازداشت آزاد گردیدند.

● بخش اعظمی از مطالب صفحات اول و دوم نشریه "پیک سیسیل" در تاریخ ۱۶ ماه مه ۲۶ اردیبهشت) به اخبار مربوط به عمل فاشیستی قداره بندان مزدور رژیم جمهوری اسلامی در کاتانیا و چاپ عکس آنان و نیز عکس های مجروحین حادثه که در بیمارستان بستری هستند، اختصاص دارد. در سرمقاله این - بقیه در صفحه ۱۵

کلیه جنایتکاران فاشیست است، نه تنها با کمال وقاحت و بی شرمی و در ملاء عام به دانشجویان مترقی ایرانی حمله برده و آنان را به قصد کشت مضروب ساخته اند، بلکه با وجود شناسایی مرتکبین جنایت از طرف مردم، در هنگام ارتکاب جرم و تحویل آنان به پلیس و مشهود بودن همه عوامل ارتکاب جرم، حال با وقاحت بیشتری حتی جنایتکاران را منسوب

ایتالیا، ۴- اتحاد عمل دانشجویان خارجی و ایتالیایی کاتانیا برای جلوگیری از وقوع چنین اعمالی؛ ۵- هوشیاری و عمل آگاهانه کلیه نیروهای هوادار دمکراسی در برابر این جنایات و تلاش در جهت خنثی کردن نقشه های پلید مسببین آن؛ ۶- تدارک همگانی برای برقراری روزی به عنوان "روز دفاع از حقوق

آنان، به خشم مردم که ناظر جریان بوده و هم آنان پلیس را از وقوع حادثه مطلع ساخته اند، اشاره کرد و در پایان اسامی عده ای از اوباشان مهاجم و نیز دانشجویان مجروح را که در بیمارستان های مختلف کاتانیا بستری شدند، چاپ کرده است. در میان مجروحین، حال دو تن وخیم بوده است که یکی از ناحیه سینه آسیب دیده و دست دیگری شکسته است.

فریدون تنکابنی

نامه سرگشاده به رفیق شهید شاهرخ جهانگیری

احساس توده‌ای بودن، احساس غرور و خوشبختی!

... ساعت هاسند که - پس از خواندن وصیت‌نامه رفیق شهید شاهرخ جهانگیری می‌گیرم. من این نوشته را با اشک نوشته‌ام. وجه حقیر است اشک در برابر خون شهید! یک بار در جایی گفتم که ما نویسندگان - در مبارزه - جوهر قلم‌ها مان را گذاشتیم و مبارزان خون خویش را، و من شخصا احساس شرمساری می‌کنم. از پس این شرمساری جز این بر نمی‌توان آمد که آن جوهر حقیر را با این خون عزیز بیوند دهیم. اگر جز این کنیم، وای بر ما!



رفیق! مرا دریاب! در حال انفجارم! هم اکنون وصیت‌نامه‌ات را در روزنامه خواندم. بی‌اختیار اشک از چشمه چشمانم جوشید! دلم می‌خواست فریاد بزنم، اما نمی‌توانستم. اینجا که من هستم، در این گوشه دور افتاده آوارگی، چند ابرانی با منند؛ بچه‌های خوبی هستند، اما از رفقای ما نیستند. دلم می‌خواست رفیقی بود و سر بر انداش می‌گذاشتم و به فراغ دل می‌بستم. اما نبود. و من دستمال کاغذی را بر دهان فشردم و هق‌هق‌هایم را در کلو فرو خوردم! چه دردی!

رفیق جهانگیری! اسم بر تو کیوان است؟ اسم بر من هم کیوان است. چه تصادف خوبی! کیوان‌ها و روزبه‌ها و سیامک‌ها می‌بالند و رشد می‌کنند و جوان می‌شوند و مرد می‌شوند. سرباز می‌شوند. مبارز می‌شوند. در راهی که من و تو رفته‌ایم، کام می‌زنند.

رفیق جهانگیری! مرا که می‌شناسی؟ من همیشه شوخی می‌کنم. یک بار می‌گفتم در سال‌های بعد، معلم که دفتر کلاس را باز می‌کند، نام‌ها را همه کاوه و روزبه و کیوان و انوشه و سیامک و ... می‌یابد! فکرش را بکن، یک کلاس، یک مدرسه، یک دانشگاه، همه کاوه و روزبه و کیوان و انوشه و سیامک! و مدرسه دخترانه: زویا و کیتا! زویا که فاشیست‌های آلمانی کشتندش و کیتا (نام دختر من بی‌تاست، اما هم‌سن و سال کیتاست) که فاشیست‌های

ایرانی شهیدش کردند. و حالا به این نام‌های گرامی خاطره‌انگیز، بهرام و فرزاد و شاهرخ هم افزوده شده است. رفیق شاهرخ! احساس توده‌ای بودن، احساس خوبی است، احساس غرور انگیزی است. احساس می‌کنی که به یک خانواده بزرگ تعلق داری، عرجا می‌روی، برادرها و خواهرهایت هستند. (رای که کلمات هم مانند انسان‌ها سرنوشت خاص خود را

توست، تا کوبا که در اقصی نقاط غرب سرزمینات تا اروپا، تا آلمان (آلمان امپریالیست را نمی‌گویم که هم با شاه زدوبند اقتصادی خوبی داشت و هم با جمهوری اسلامی همان زدوبند را - و از آن بهتر را هم دارد) آلمان نیروهای مترقی را می‌گویم، همان‌ها که اجازه نمی‌دهند موشک‌های آمریکایی در خاک‌شان مستقر شود، همان‌ها که اجازه نمی‌دهند عمو سام با خون‌شان سودا

وصیت‌نامه رفیق شهید شاهرخ جهانگیری

پروین عزیزم، درودی پایانی بر تو باد. می‌دانی که چقدر دوستت دارم. آخرین عشقم، اولین تقاضایی که از تو دارم اینست که مدتی بعد از مرگم ازدواج کنی. تو خوشبخت خواهی شد و خوشبختی از آن تو و فرزندانت است. عزیزم، مرا ببخش که نتوانستم آنقدر که دلم می‌خواست به تو توجه کنم. می‌دانی که کار سختی داشتم و آن تلاش در راه رهایی زحمتکشان بوده است. و تا آخر به این راه وفادار بودم و هستم. من اکنون با نه نفر دیگر شاد و خندان و آواز خوان به طرف شهادت در راه آزادی می‌رویم، تو بدان که من خوشبخت هستم.

از نبودن من ناراحت نباش، به کوری چشم دشمنان، شاد و خوشحال باش ... بعد از مرگ من به فرزندان بگوراه مرا پیش گیرند. راه خوشبختی انسان‌ها ...

روزبه عزیزم، خیلی دوستت دارم. تو و کیوان را به اندازه نصف مامان دوست دارم. حال خودت حدس بزن که چقدر به تو علاقه مند هستم ...

عزیزم با تمام وجود برای مردم کار کن. زیرا از این راه است که انسان ارزش پیدا می‌کند ... کیوان عزیزم پسر بازیگوش خوشگلم! فرصت نشد زیاد با هم باشیم مرا ببخش، من در راه آرمانی و الا کار کردم و به شهادت می‌روم. راه مرا پیش گیر.

دارند، بدبختی و خوشبختی دارند. در گذشته واژه زیبایی "رستاخیز" را مسخ کردند و به ابتذال کشیدند، و اینک خواهر و برادر را! پس بگنار یکویم: هر جا که می‌روی "رفقاییت" هستند. همه جا هستند. "عمو" ها و "خاله" ها همه جا هستند و در کار و فعالیت‌اند.

اما فقط همین نیست. فقط همین نیست که به یک خانواده بزرگ ایرانی تعلق داری، تو به یک خانواده بزرگ‌تر جهانی تعلق داری، از مسایه شمالی‌ات شوروی، تا ویتنام که در اقصی نقاط شرق همین

کند. رفیق شاهرخ! احساس توده‌ای بودن، احساس خوبی است، احساس غرور و خوشبختی است. احساس این که آینده یکسره از آن توست! و تو، در آن خانه دوزخی که بودی - در اوین - حتماً بارها و بارها این احساس را تجربه کرده‌ای.

رفیق شاهرخ! یکی از بچه‌ها، یکی از رفقا، اصطلاح خوبی به کار می‌برد و من هم که منتشرم هر مطلب خوبی را بقیام، این اصطلاح را از او وام گرفته‌ام. او می‌گوید: قوم و خویش‌ها! چشمش که به یک رفیق

توده‌ای می‌افتد می‌گوید: این هم که از قوم و خویش‌های خودمان است! بله، ما یک خانواده‌ایم، یک فامیلییم. به بزرگی دنیا. این خانواده میلیون‌ها عضو دارد! هزاران عمو و خاله و پسرعمو و دختر خاله دارد!

رفیق شاهرخ! آینده از آن ماست! تو در این امر هیچ شکی نداشتی و من نیز هیچ شکی ندارم! حتی دشمنان ما هم شکی ندارند. و ددمنشی و درنده‌خوبی‌شان از همین است؛ از احساس ضعف و بیچارگی.

رفیق شاهرخ! حتی در آن زمان هم که تو را زجر و آزار می‌دادند، باز می‌دانستی احساس توده‌ای بودن، احساس کمونیست بودن، احساس خوشی است. به خاطر می‌آوری که ناظم حکمت را هم در ترکیه و پایلو نرودا را هم در شیلی بسیار زجر و عذاب دادند. و لاهوتی ما را، فرخی یزدی ما را، طبری ما را، به‌آذین ما را، و بسیاری عزیزان دیگر را ... رفیق شاهرخ! ما عاشق خورشیدیم، و ابرها حقیرتر از آنند که ستر عشق ما شوند.

رفیق شاهرخ! ما از آن قبیله عاشقانیم که قرن‌ها پیش با حافظ خوانده‌ایم:

در بیابان، گریه شوق کعبه خواهم زد قدم، / سرزنش‌ها گر کند خار مغیلات غم مخور. یا:

من همان دم که وضو ساختم از چشمه عشق / چار تکبیر زدم یکسره بر هر چه که هست!

رفیق شاهرخ! به یاد می‌آورم یک بار در زندان به این شعر مولوی بر خوردم:

خُنگ آن قماربازی که بباخت هر چه بودش / بنماند هیچش، الأ هوس قمار دیگر!

و به نظرم رسید این شاعر بزرگ آن را برای ما توده‌ای‌ها گفته است. (نکنند مولوی هم توده‌ای بوده؟ بله،

حتما بوده، یک دلیلش این که متعصبین و قشریون دیوانش را با انبر می‌گرفتند و دور می‌انداختند که دست‌شان نجس نشود!)

رفیق شاهرخ! می‌گویند ما بقیه در صفحه ۷

نامه سرگشاده به رفیق شهید شاهرخ جهانگیری

بقیه از صفحه ۶

پیروین‌ها یاد.

بله، پیروین در جست و جوی خوشبختی است، اما نه تنها برای خود، برای همه، برای همه زنان و مردان و کودکان ایرانی... خوشبختی، خوشبختی واقعی، آن گاه که دیگر مردان از خانواده‌شان ریزه نشوند، زنان بی‌شوهر و کودکان بی‌پدر نگردند.

رفیق شاهرخ! به قول معروف، کار دنیا برعکس است، خائنین ما را جاسوسان ما را جاسوس می‌نامند! اما آن کس که داوری نهایی با اوست، یعنی مردم ما، یعنی خلق ما، سرانجام داوری خود را خواهد کرد و دوست و دشمن را خواهد شناخت.

همان‌گونه که روزبه را قهرمان می‌شناسد، سیامک و کیوان و انوشه را قهرمان می‌شناسد، خسروها و رضایی‌ها را قهرمان می‌شناسد، تو را و افضلی را و عطاریان و خاضعی و جهاد و رفقای دیگر را نیز قهرمان می‌شناسد.

در این هیچ شکی نیست.

رفیق شاهرخ! "تلاش در راه راهایی زحمتکشان" خوشبختی است. "شاد و خندان و آواز خوان به سوی شهادت رفتن" - در راه آزادی - هم خوشبختی است. بله، ما خوشبختیم، چه باشیم و چه نباشیم. "پیروین عزیز! از نبودن من ناراحت نباش!"

وای، شاهرخ! چه می‌گویی، مگر می‌شود از نبودن خورشید ناراحت نبود؟ مگر می‌شود نور را با تیرگی سودا کرد؟

"روزبه عزیزم! خیلی دوستت دارم... کیوان عزیزم... راه مرا پیش گیر..."

رفیق شاهرخ! خوشحالم، مغرورم، توده‌ای‌ام، احساس توده‌ای بودن، احساس غرور و خوشبختی سراسر وجودم را فرا گرفته است.

اما بر این چشمه جوشان اشک چگونه راه بندم؟ اما با این دستمال کاغذی کوچک، چگونه این حق‌حق عظیم را خفه کنم؟

رفیق شاهرخ! پیشانی بلند و چشمان فروزان را می‌بوسم!

(۶۲/۳/۷)

جاسوسیم، من و تو جاسوسیم! آخر ما چه جور جاسوسی هستیم که از مال دنیا پیشیزی نداریم؟! اما دنیا مال ماست. از خوشی‌ها و لذت‌های دنیا جز زندان و شکنجه و اعدام نصیب ما نمی‌شود!

مگر روزبه در ارتش شاه نمی‌توانست به بالاترین مقام هادست یابد؟ پس چرا روزبه شد و روزبه ماند؟ آری، به اقتضای آتشی که در وجودش زبانه می‌کشید، گوشت و پوست ورگ و بی‌اش توده‌ای شد.

مگر ناخدا افضلی بالاترین مقام را نداشت؟ پس چرا، آگاهانه و با چشم باز در راه خطر گام نهاد؟ زیرا این عشق است که او را، من و تو و ما را، هزاران هزار را، به این راه می‌کشد. عشق، وظیفه، انسانیت، انسان بودن. بله، تو و یارانت زندگی خود را داوومی گذارید.

رفیق شاهرخ! چند روز پیش در چایی، توده‌ای سالخورده‌ای را دیدم که در سال ۲۲ محکوم به اعدام شده بود. و در کنارش جوانانی را دیدم که در سال ۲۲ هنوز به دنیا نیامده بودند! آری، ما توده‌ای‌ها، آذرخش نیستیم که یک لحظه تیرگی شب را بشکافد و باز ناپدید شود، ما مشعلی هستیم که در گذرگاه زمان پیش می‌رود، رودی از آتش که در بستر زمان جاری است. کاروانی که پیش می‌رود و به گفته شاعر:

یک مرد اگر به خاک می‌افتد / برمی‌خیزد به جای او صد مرد.

دشمنان کوتاه بین و ابله ما، و اماندگان از کاروان را می‌بینند و به دیگران نشان می‌دهند، اما این کاروان عظیم را نمی‌بینند. عجب کوری و کوردلی شکفت آوری!

رفیق شاهرخ! وقتی که "پیروین" های تو، "پیروین" های ما، با تو و با ما پیوند بستند، می‌دانستند چه می‌کنند. در بی رفاه و آسایش شخصی نبودند. آن‌ها حافظان گورهای شب چراغ بودند و می‌دانستند که دیوان هر لحظه در کمین گورهایند. بله، پیروین‌ها شایستگی وظیفه خود را دارند. "پیروین عزیزم. درود بی‌پایان بر تو باد. می‌دانی که چقدر دوستت دارم...". درود بی‌پایان بر همه

صلح، خواست مبرم زحمتکشان ایران است

بقیه از صفحه ۱

جبهه‌ها، حملات ددمشانه به مردم بی‌گناه در شهرهای بی‌دفاع میهن ما بوده است. نزدیک به هزار تن از هم‌میهنان ما طی این حملات کشته و زخمی شدند. جمهوری اسلامی طی "مقابله به مثل" شهرهای بی‌دفاع عراق را بمباران کرده است. رئیس جمهوری اسلامی افتخار می‌کند که حملات ایران تلفاتی معادل ده برابر تلفات حملات عراق به بار آورده است!

این کشتارها تنها پیش‌درآمد کشتار عظیمی است که سران جمهوری اسلامی با گسیل نیروهای تازه به جبهه‌ها آن را تدارک می‌بینند. تجربه عملیات زنجیره‌ای دو سال اخیر نشان داده است که آنچه سران جمهوری اسلامی "راه میان برنجات" می‌نامند، قتلگاه تازه‌ای

برای زحمتکشان میهن ما است. با این تفاوت که اینک سران جمهوری اسلامی تحت فشار اقتصادی ناشی از کاهش شدید صادرات نفت، خود را ناگزیر می‌بینند که بیشترین نیروهای انسانی را با حداقل تجهیزات و تدارکات به مقابله با ارتش عراق بفرستند، تا گویا هرچه زودتر سرنوشت جنگ را در میدان نبرد تعیین کنند. قمار محکوم به باخت با هستی انسان‌ها این بار ابعاد فاجعه‌بارتری به خود گرفته است.

برخلاف اقدامات و نظرات سران جمهوری اسلامی، مردم ایران راه نجات و تداوم انقلاب را در برقراری صلح عادلانه جستجو می‌کنند:

"مردم ایران خواهان صلح‌اند و برآنند که حل نظامی اختلافات بین دو کشور همسایه امکان پذیر نیست. ترک مخاصمه و دستیابی به یک صلح عادلانه و پایدار به نفع خلق‌های هر دو کشور، به نفع صلح جهانی و به زیان است و هرچه زودتر باید عملی گردد، صلح خواست عاجل توده‌های میلیونی زحمتکشان است و باید برقرار شود."

(کمیته مرکزی حزب توده ایران - ۱۴ خرداد ۶۲)

سران جمهوری اسلامی علی‌رغم لغاظی‌های فراوان، در عمل در برابر تشدید فشارهای نظامی و اقتصادی امپریالیسم و ارتجاع ناکزیر از تسلیم و تمکین شده‌اند. به این ترتیب موضع‌گیری‌های غیرمسئولانه و چه بسا وظیفه‌مند حاکمیت خائن جمهوری اسلامی در باره "ناامن کردن خلیج فارس" که به تصاعد جنگ در خلیج فارس انجامید، مانند موضع‌گیری‌های قبلی در باره بستن تنگه هرمز، در عمل به دست‌انبریز مناسبی برای بهره‌برداری امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در راستای تأمین منافع استراتژیک خویش و تشدید تهدید و فشار نسبت به خلق‌های منطقه و مردم زحمتکش ما تبدیل شده است.

انزوای بیش از پیش جمهوری اسلامی در محافل جهانی یکی دیگر از پیامدهای موضع‌گیری‌های اخیر سران جمهوری اسلامی است. شورای امنیت سازمان ملل متحد، هفته گذشته طی قطعنامه‌ای، با ذکر نام جمهوری اسلامی در مقدمه، خواهان احترام به امنیت آب‌راه‌های بین‌المللی شده است. این قطعنامه به اتفاق آراء - صرف نظر از دو کشور نیکارا کوئه و زیمبابوه که در رأی گیری شرکت نکرده‌اند - به تصویب رسیده است.

سران جمهوری اسلامی در رویارویی با این نتایج اسف‌بار تصاعد جنگ در خلیج فارس، یک‌بار دیگر به این نتیجه‌گیری رسیده‌اند که باید با حمله‌ای گسترده به عراق کار جنگ را یکسره کرد! آنان یک بار دیگر عزم کرده‌اند که آتش جنگ را با تشدید و تصاعد آن خاموش کنند:

"راه صحیح میان برنجات هم اینست که دست دراز کنیم، این طاغوت عراق را... مخصوصاً صدام را شرش را از منطقه کم کنیم" (هاشمی رفسنجانی - کیهان - ۱۲ خرداد ۶۲).

نخستین واکنش عراق در برابر تجمع تهدیدآمیز نیروهای ایران در

به این جنگ خانمان سوز پایان دهید!

اشاره

احسان طبری:

گفتگویی!

درباره معنویت نبرد ایتارگر

مطلبی که می‌خوانید، گفتاری است از رفیق طبری که به درخواست جمعی از هنرمندان در اواسط سال ۶۰ بیان و به روی نوار ضبط گردید. از آنجا که تکثیر این نوار - در آن زمان - با اشکالات متعددی روبرو شد و نیز غنای بحث، نشر هر چه گسترده تر آن را می‌طلبید، "راه نوره" بخش آغازین این گفتار را به چاپ می‌رساند.



آگاهی انسان نسبت به خود و جایگاه خود، در زمان و مکان، چند واکنش مختلف در او ایجاد می‌کند که مادر ابتدا به دو واکنش عمده و به اصطلاح کلاسیک آن توجه می‌کنیم.

یک واکنش این است که باید برای سرنوشت انسان چاره‌ای اندیشید. زیرا اکثریت بشریت در تیره روزی به سر می‌برد و رنج می‌کشد. باید کلید خوشبختی را یافت و به ویژه، مولدان محصولات مادی و معنوی را که صاحبان واقعی ثروت جامعه، آفرینندگان واقعی تمدن بشری هستند، طی یک نبرد پرایتار، از جنگ حرمان و تحقیر نجات داد. اما واکنش دوم این بود که همه کوشش‌های انسانی بی‌فایده است. زیرا اصولاً زندگی بشری کل پوچه‌ای در جنبش ابدی سواست که از یک عدم برآمده به سوی عدم دیگری می‌رود و میوه در خوردی در این میانه نخواهد داد. زندگی در شکل انسانی و اجتماعی‌اش، به اوج دردناک بودن، به اوج تراژیک بودن خود رسیده است؛ زیرا شعور، پیش‌بینی که جانوران از آن بی‌نصیب‌اند، در زندگی انسانی پای در میان گذاشته، لذا خوشبختی یک مفهوم ذاتا ناسازگار با یک چنین زندگی است. و به همین جهت نباید آن را جستجو کرد، زیرا کاریست بی‌ثمر و ابلهانه.

"سورن کیرکه گارد"، فیلسوف دانمارکی که از سال ۱۸۱۲ تا ۱۸۵۵ میلادی می‌زیسته، توصیه می‌کند که چون وضوح چینی‌ان است، پس تنم - راه نجات پناه بردن به ابدیت محراب و کلیسا و نیایش است. ولی "فرانتس کافکا" نویسنده یهودی آلمانی زبان چک که از ۱۸۸۲ تا ۱۹۲۴ می‌زیسته، ابتدا توصیه‌ای نمی‌کند، زیرا با آنکه مطلب مطروحه از سوی او درست همان مطالبی است که "کیرکه گارد" مطرح کرده است، ولی به نظر نمی‌رسد که او به نسخه‌های بخشی

باور داشته است.

نویسنده ایرانی، "صادق هدایت" تحت تأثیر این دو تن نویسنده و فیلسوف بود، زیرا خود او این‌طور فکر می‌کرد. وی از جمله در نوبل معروف خود "س. ک. ل. ل. یعنی" معروف خود "Serum gegen Liebesleidenschaft" - نام ساختگی - به آلمانی یعنی "سرم علیه شور یا عاطفه عشق"، چاره را در به اصطلاح "Enthanasie" یا خودکشی بدون درد می‌یابد. خود او در پاریس

جهت منطقی، از جهت انسانی و اخلاقی، تنها همان واکنش حماسی آرمان پرستانه انقلابی است که درست است.

البته غیر از این دو واکنش متداول واکنش‌های دیگری نیز هست. مانند: پناه بردن به تخدیر خود و خوشی‌ها و لذت‌های زیستن جانورانه، برای گریز از ادراک رنج و یوچی زندگی توصیه می‌کنند که در این زمینه نباید وسواس اخلاقی به خود راه داد. تنها باید زیرک بود، زیرا

زمانی من جادوگر گمراه‌ساز به میان خیلی بی‌خیال افتادم و بر آنها ظن‌بور افسانه‌های محال نواختم. گفتیم که شهر آرزو در پس این بیخ است و من شاید سیاه نبودم و ای شکفتا شهر آرزو در پس بیخ بود!

بند هفتم - با پیچیده پاییز

غنیمت‌های خوب در جهان محدود است و خواستاران و رقیبان زیادی دارد و باید طوری عمل کرد که غنیمت بیشتری را با زیان و تلاش کمتری به دست آورد. به قول شاعر کلاسیک ایرانی:

این جهان پر مثال مردار است / کرکسان گرد آن هزار هزار / این مرآن راهی زند نخلب / وان مر این راهی زند منقار / آخر الامر جمله نیست شوند / از همه بازماند این مردار.

اگر بخواهیم گفته شده‌ها را خلاصه کنیم در واقع چهار واکنش از لحاظ کیفی متفاوت در قبال مسئله خوشبختی انسانی و شیوه زندگی وجود دارد:

اول: بهره‌جویی رذیلانه از لذات مادی عمر به هر بهانه‌ای که باشد. دوم: پناه بردن به ابدیت کلیسا و عبادت، آن‌طور که "سورن کیرکه گارد" سفارش می‌کند.

سوم: خودکشی و رها کردن خود از رنج زیستی بویج آن طوری که زمانی "هدایت" توصیه می‌کرده است. چهارم: نبرد پرایتار برای بهتر کردن سرنوشت انسانی، با روح نوع‌دوستی، راهی که ما و انقلابیون دیگر ایران و جهان در پیش گرفته‌اند و توصیه می‌کنند.

باید گفت که مثلاً "کافکا" ناچیزی انسان را در قبال ماشین غول‌آسی بوروکراتیک، بورژوازی به درستی ارزیابی می‌کند و همین داوری را "هدایت" نیز در آثار خود غالباً می‌آورد. مثلاً در یک قصه نمادی کوچک، چنین می‌گوید - این قصه نمادی "قانون" نام دارد و "صادق هدایت" آن را به فارسی ترجمه کرده است - "کافکا" در این قصه دهقان شاکلی را نشان می‌دهد که تمام عمر در عمارت باشکوه "قانون" چمباتمه می‌زند و پلیس با همه رشوه‌هایی که به تدریج از او می‌گیرد، عملاً به او اجازه نمی‌دهد پای در عمارت قانون بگذارد. چون زرنگان جامعه هرگز نمی‌خواهند به این عمارت بر هیبت بی‌معجزه بی‌خاصیت پای بگذارند، لذا دهاتی نمی‌بیند که کسی به غیر از خود او که نماینده زحمتکش‌ان ساده دل جامعه است، خواسته باشد وارد این عمارت بشود. سرانجام دهاتی همان جامی خشک، می‌بوسد و عمر را در حسرت ورود به کاخ قانون به پایان می‌رساند. البته اشتباه "کافکا" در آن نبود که واقعیت را نمی‌دید، خوب می‌دید، بلکه در آن بود که او واقعیت جامعه برده‌داری سرمایه‌داری را یک واقعیت ابدی و تغییرناپذیر می‌دانست. دوران خود را که دوران تسلط بورژوازی بود جاوید می‌کرد. آن را مشکل عام زندگی انسانی برای همیشه می‌شمرد.

فرانتس کافکا،

نه انسان در راه خوشبختی

"آنها که احسان طبری را می‌شناسند، نوشته‌هایش را خوانده‌اند و با منطقتش آشنا نیستند، می‌دانند که او نمی‌تواند مبلغ و مدافع تزهایی باشد که امروز سرمداران جمهوری اسلامی به او نسبت می‌هند."

از اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران - ۲۵ اردیبهشت ۶۲

"هیتلر" با تئوری آدم خوارانه نژادگرایی به میدان آمد. اردوگاه‌های زندانیان ازهرکس که این نظام جنگ طلب ملت سرور یا "Herrnvolk" آن را نمی‌پسندید لیاقت شد و سرانجام فاجعه با پنجاه میلیون تلفات انسانی خاتمه یافت.

شما اکنون دوست سال دیگر را برپایه جهان امروزین در نظر بگیرید! یعنی سال ۲۱۸۲، در سه بیست و دوم را اذره ای تردید نیست که بشریت نه تا آن موقع بلکه بسیار بسیار زودتر از آن موقع، مسائل عمده خود، یعنی: جنگ و صلح، فقر و ثروت، وحدت جامعه انسانی و مسائل دیگر را حل خواهد کرد. ممکن است مثلا

فرانتس کافکا بگوید، آری درست است، اشیاء دگرگون می‌شوند، اشیاء پیش می‌روند، ولی روحیات همانند، اخلاق درجا می‌زند. محتوی زندگی کماکان یوچ می‌ماند. این سخن درستی نیست. محتوی زندگی فردی تا زمانی یوچ به نظر می‌رسد که افراد و جوامع انسانی، جدا از هم در رنج و غارتگری، بدون کمترین تضمین مادی و معنوی، بدون کمترین امید به آینده به سر می‌برند. ولی وقتی انسان به عضو تام الحقوق خانواده عظیم بشری که دامنه قدرتش حتی به آن سوی کره زمین ما کشیده خواهد شد، مبدل گردد، وقتی انسان مجهز به عالی‌ترین وسایل زیست، بهداشت، معرفت، آفرینش و پیشرفت است، آنگاه از یوچی زندگی فردی سخن گفتن، خود سخن یوچی است. آن انسان دیگر "فرانتس"، یهودی کوچک و ناتوان و بیمارگونه نیست که در مقابل وزارت به اصطلاح دادگستری امپراطور "فرانتس ژوزف" پادشاه مستبد اتریش، کز می‌کرده است و مارش و قدم زدن پلیس‌های سبیل دراز را می‌دیده و به خود می‌لرزیده، آن انسان از نژاد "فرانتس" است، ولی یک "فرانتس" به کلی دیگری است، نه "فرانتس کافکا" است و نه "فرانتس ژوزف".

ما به این معنویت معتقدیم و در راه این حقیقت به سوی ایثار گام برمی‌داریم، اگرچه کسانی به ما افترا می‌بندند که گویا جز ماده و جز خودخواهی از چیز دیگری سردر نمی‌آوریم. اگر واقعا کسانی چنین می‌پندارند، باید گفت زهی گمراهی. اراخی و روزبه‌ها، به دنبال خودخواهی حسابگرانه نرفتند.

ما هنوز خاتمه نیافته بود. استعمار با تمام جنایات و غارتگری‌هایش تازه آغاز می‌گردید. سرمایه‌داری با تمام تبه‌کاری‌هایش تازه پرمی‌کشود. آمریکا تازه اعلامیه استقلال خود را صادر کرده بود. تازه ماشین بخار "جیمز وات" به میدان آمده بود. گلوله "شراسول" برای توپ ساخته بودند و کشتی بخاری به راه افتاده بود. آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین و استرالیا در ظلمات بردگی و عقب‌ماندگی تاریک و تمدن‌سنتی

بدان منکر که سرد و زرد در تابوتم. من سرایای قبیله ام. من سرایای کاروانم و رسن یر ندینم از میخ ازل تا میخ ابد. جهان توده کاه و من در آن اخترم. بشکیب تا خورشیدها را فرو بلعم و یویایی زیستن را در فضا‌های مرده پیراکنم. بند هشتم - با پچیچه پاییز

جامد و عقب مانده ای به سر می‌بردند. منظره پس از دوست سال به کلی دگرگون گشته است: در زمینه علم و فن، در زمینه نبرد برای عدالت اجتماعی، در زمینه شکل، در زمینه آسان شدن کار، هم در کارخانه، هم در اداره، هم در مزرعه، هم در زمینه بالا رفتن سطح معرفت عمومی، در واقع فوران عظیمی دیده می‌شود که اصلا قابل مقایسه با دو سده پیش نیست. حرکت تاریخ از یک سوشتایکروا سوسی دیگر جاده آن سر از تضاریس و سیر آن کند و حوصله سوز است. لحظات رکود و سیر قهقرایی وحشت‌آوری نیز در تاریخ وجود دارد.

در آلمان، یعنی در همان کشوری که نخستین تراموای برقی آن در سال ۱۸۸۱ قریب صدسال پیش به راه افتاد و در آن موقع از پیش‌تازان تکنیک امروزی در جهان بود، ناگهان قریب ۵۰ سال بعد از آن، حکومت

داستان کوچک "زیربوت" و غیره را در این دوران امیدواری خودنکاشته است. ولی پس از شکست نهضت، به شدت مایوس شد. و به این نتیجه رسید که حق با او بوده است و بت بزرگ قرن بیستم را بیهوده بزک می‌کنند و داستان همان داستان همیشه است. لذا به پاریس رفت و به زندگی بر بار خود، متأسفانه، خاتمه داد. مطلب اینجاست که خداوند تکامل صبور و کند بوست و در هر گام کوچک او نسل‌های بسیاری

فرومالیده می‌شوند. ولی آدمی عجل است و این شتاب کاری او ثمره آن است که جاویدان نیست تا چشم به هم زنی پیر شده و یا پیر نشده باید صحنه را ترک گوید. اگر آدمی می‌توانست تا دیری عمر تضمین شده داشته باشد، بین عهد کودکی و دوران پیری خود، آنچنان تحولاتی می‌دید که خود او را حیران می‌ساخت. مثلا اکنون سال مسیحی ۱۹۸۲ است، ببینیم در سال ۱۷۸۲ یعنی ۲۰۰ سال پیش جهان از لحاظ نیروهای تولیدی، وسایل زندگی، نظام اجتماعی، درجه عدالت، سطح معرفت، میزان آزادی و راهی افراد در کجا بود.

در سال ۱۷۸۲ هنوز لوبی شانزدهم با انقلاب بورژوازی ۱۷۸۹ فرانسه روبرو نشده بود. سراسر اروپا که بخش به کلی پیش افتاده جهان آن روز محسوب می‌شد، زیر سلطه سلطنت‌های استبدادی اشرافی رنج می‌برد. کشف جغرافیایی کره زمین

نمین اشتباه در نزد نویسنده ما "صادق هدایت" نیز وجود داشت. او واقعیت زشتی را که در دوران سلسله پهلوی در اطراف خود می‌دید، جاوید و تغییرناپذیر می‌شمرد. ولی آنهایی که گفته‌اند شکل رنج‌دیدگان و محرومان جامعه و نبرد طولانی و ایثارگرانه آنها می‌تواند به تدریج بشریتی متحد، رها از ستم و غارتگری و جنگ و ستیز و تفرقه و خصومت ایجاد کند، به شهادت تاریخ، حق داشتند و حق دارند. منتهی کسی که وجود خود و نسل خود را مطلق می‌کند و به یک دید بدبینانه می‌رسد، و یا از خودخواهی و رذالت بورژوازی انباشته است و می‌خواهد خوشبختی را تنها برای خود و هر چه زودتر به آن برسد، وقت ندارد و نمی‌خواهد که در مقیاس قرن‌ها بیاندیشد. در مقیاس جامعه بیاندیشد. کسی که امنیت و راحت خود و خانواده خود را بر هر ارزش دیگری در جهان ترجیح می‌دهد، حاضر نیست که خطرات یک نبرد انسان‌دوستانه را به سردهم نوع بپذیرد. لذا در این زمینه به خصوص، داوطلبان در آغاز مبارزه زیاد نیستند. تنها در جریان نبرد تاریخی و با دیدن پیشرفت‌ها و ثمرات محسوس آن، به تدریج داوطلبان و سربازان این مبارزه زیادتر و زیادتر می‌شوند....

از همان آغاز زندگی، حرکت ما انقلابیون در جاده چهارم، یعنی در جاده رزم به سود جامعه بود. ما بین سخن‌گویان حزب ما و "هدایت" بحث‌های زیادی می‌شد. "صادق هدایت" در دورانی تحت تأثیر منطق انسانی زنده حزب ما قرار گرفت و برخی از آثارش را مانند داستان "آب و زندگی" داستان "فردا" کتاب داستان بزرگ "حاج آقا"

به مناسبت برگزاری "هفته کشاورزان":

هفته بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران

می خواهند؟ جمهوری اسلامی تمام امکانات را برای آنها به وجود آورده است تا برای "اسلام" کار کنند، عبادت کنند، تکلیف "شرعی" خود را انجام دهند و تا جان در بدن دارند و تا اولین نفس به این کار "مقدس" و "عبادی" ادامه دهند. غبار ضریح حضرت رضا و نبات متبرک راهم که گرفته اند، واقعا دیگر چه

می خواهند؟! با همه این نعمات و تبرکات و امتیازات استثنایی که به این مردم اعطا شده است دیگر چه جای سخن از انقلاب و هدف های انقلاب است؟ چه بی انصافی است که انسان همه این "معجزات" انقلاب را ببیند و نفهمد و باز هم از اسارت و بردگی در چنگال بی رحم بزرگ زمین داران و کلان سرمایه داران شکوه کند، باز هم در طلب آب و زمین و وسایل کشاورزی و آزادی و رفاه، به آب و آتش بزند و دنیا را در چشم "تولید کنندگان" که "ارزش آنها باید در جامعه مطرح

کرد" تیره و تار سازد. و اما دو کلمه با "تولید کنندگان" - زمین داران و سرمایه داران بزرگ - آنها هم نباید تسلیم هیاهو شوند و تزلزل در موفقیت خود احساس کنند و آزاده خاطر شوند و خدای ناخواسته در امر "سرکشی" به "املاک خود" مردد باشند. مگر نه این است که "بعضی ائمه ما خودشان رفتند سراغ این که سرکشی به کشاورزی بکنند و گاهی هم شاید عمل...؟"

آری، حضرات طرفدار "مستضعفین" و دشمنان "مستکبرین" با این ترفندهای مبتذل و سخیف تلاش می کنند تا مگر "دست های بینه بسته" فراموش شود و جنایات و غارتگری های آنهایی که "یک عمر کشاورزان را غارت کرده اند" و باید به "پای میز محاکمه" کشیده می شدند، در پس پرده ای از گردو خاک "اسلامی" محو شود. باشد که مسئله زمین از دیدگاه دهقانان زحمتکش و "امت شهیدپرور" یکسره زوده شود.

از سوی دیگر، ارتجاع فرتوت و آزمند در لباس "اسلام" و "مذهب" بقیه در صفحه ۱۱

می باشد" (جمهوری اسلامی - ۶۲/۲/۱۶).

- صدای ایران، به همین مناسبت: "کشاورزی شغل پیامبران است. امامان به کشاورزی اهمیت بسیاری می دادند. کشاورزی در اسلام اهمیت زیاد دارد. حضرات علی علیه السلام برای حاصلخیزی زمین فدک تلاش بسیار می کرد. در اسلام کشاورزی

- نخست وزیر خطاب به "کشاورزان نمونه":

"بر اساس آنچه اسلام و قرآن از ما می خواهد باید قشر کشاورز رشد کند و کشاورزی به عنوان یک کار مقدس و عبادی شمرده شود" (جمهوری اسلامی - ۶۲/۲/۲۰).

- وزیر کشاورزی در پیامی به مناسبت "هفته کشاورزان":



اصل اساسی است." و برای تلطیف صحنه های این نمایشنامه است که در پایان یک جلسه معارفه با فلان حجت الاسلام "به هریک از کشاورزان، صیادان و دام داران نمونه یک جلد قرآن مجید به همراه غبار ضریح حضرت رضا علیه السلام و نبات متبرک اهداء شد" (جمهوری اسلامی - ۶۲/۲/۲۹).

خوب! دهقانان دیگر چه

حاکمیت جمهوری اسلامی در برگزاری مراسم به اصطلاح "هفته کشاورزان" تلاش بسیار کرد تا مگر "اسلام" خودش را به جای زمین و آب و وسایل کشاورزی و آزادی و رفاه به دهقانان زحمتکش ارزانی دارد و از ایمان و اعتقاد و ساده دلی آنان برای به کرسی نشاندن برنامه های ضددهقانی و مستکبر پرور خود سودجویی کند. این هدف دنبال می شد که از یک سو، دهقانان آماج های انقلاب و خواست های دیرین خود را فراموش کنند. از مبارزات حق طلبانه دست کشند و به بردگی و استثمار سرمایه داری و بزرگ مالکی "اسلامی" تن در دهند، و از سوی دیگر زمینه ذهنی سلطه بی منازع بزرگ زمین داران و کلان سرمایه داران بر عرصه کشاورزی در جامعه ایجاد گردد. کوهی همه دست اندرکاران، از درشت و ریز، برای اجرای ام آهنگ این صحنه نمایشی از پیش آماده شده بودند و این از کرامات "مکتب" است:

- بالاترین مقام رهبری خطاب به "کشاورزان نمونه" چنین گفت:

"کشاورزان عزیز می توانند ایران را از وابستگی در این بعد برهانند و این را یک عبادت شرعی حساب کنند، و عبادت است. کشاورزی که در اسلام آنقدر بهش اهمیت داده شده است و بعضی از ائمه ما خودشان رفتند سراغ این که سرکشی به کشاورزان بکنند و گاهی هم شاید عمل. از این جهت باید ما این بعد را تقویت کنیم ... شما امروز برای اسلام کار می کنید، برای خدا عبادت می کنید. بنابراین من از همه کشاورزان تقاضا دارم که در کار کشاورزی جدیت کنند ..." (اطلاعات - ۶۲/۲/۲۶).

- حجت الاسلام طبعی، "نماینده امام و تولیت آستان قدس" در دیدار با "کشاورزان نمونه" گفت:

"کشاورزی یک تکلیف شرعی است و یک امر واجب برای کشاورزان" (جمهوری اسلامی - ۸۴/۲/۲۹).

- خامنه ای رییس جمهور: "مسئله کشاورزی در قرآن ریشه دارد" (جمهوری اسلامی ۶۲/۲/۲۲).

"کشاورزی به عنوان شغلی که انبیای خدا برای خود برگزیده اند فعلی الهی است" (جمهوری اسلامی - ۶۲/۲/۲۰).

درجایی دیگر: "هدف از روز کشاورزی و کشاورز در جامعه توجه دادن مردم به ارزشی که اسلام برای کشاورزی قایل شده و همچنین مطرح کردن ارزش تولید کننده در جامعه

هفته بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران

بقیه از صفحه ۱۰

و با دست شورای نگهبان سرمایه داری، شمشیر تهدید و تکفیر را در هوا تکان می دهند و فریاد "وااسلاما" را سرمی دهند تا همه دست اندرکاران حساب کار را بکنند و همه آنهايي که هوس انقلابی مآبی در سرمی پروراند از "عواقب" آن برحذر باشند. در حقیقت هیچ يك از قلم به دستان مجاز یا آنها که از پشت بلندگوهای "همیشه در صحنه" شب و روز فریادشان بلند است، دیگر مدت ها است از "زمین برای کشاورزان" سخن نمی گویند و چیزی نمی نویسند. گویی برای انقلاب بزرگ ایران و برای "کشاورزان عزیز که می توانند ایران را از وابستگی در این بعد نجات دهند" هرگز مسئله ای به نام "زمین برای دهقانان" مطرح نبوده و انقلاب ایران هم به این گونه امور "بیش یا افتاده"، "مادی" و "دنیایی" اعتنائی نداشته است. خیلی که دست بالا را می گیرند، گاه گاه مسئله "مالکیت در اسلام" را به میان می کشند تا ثابت کنند که مالکیت حد و حصری ندارد و حضرات غارتگران از این بابت خیالشان راحت باشد، مبادا آن که تزلزی در ارکان غارت و استثمار سرمایه داری رخ دهد.

اما "هفته کشاورزان" را دیگر می شد فارغ از مسئله "مالکیت زمین های کشاورزی" برگزار کرد. چنین بود که شعار "تعیین تکلیف مالکیت زمین های کشاورزی" سر داده شد، انگار بیش از انقلاب، تکلیف مالکیت زمین های کشاورزی روشن نبوده و انقلاب باید آن را "تعیین" کند. و چه بی شرمانه و ابلهانه عمل می کنند که اصرار دارند این سخن از زبان "کشاورزان" شنیده شود تا مگر این شبهه در اذهان ایجاد کرده که گویا برای دهقان فرق نمی کند که زمین و آب و وسایل کشت و کار از آن او و خانواده اش باشد یا مهر مالکیت زمین داران بزرگ و کلان سرمایه داران بر آن نقش بندد: همه "تولید کننده" اند. چه مالک، چه دهقان. زمین مال "اریاب" هم که باشد انگار ملک دهقان است. آنچه برای او اهمیت دارد این است که "تکلیف مالکیت زمین های کشاورزی" را انقلاب تعیین کند! روزنامه مجاز "اطلاعات" از زبان

یک "کشاورز نمونه" که "سه فرزند را تقدیم انقلاب نموده است و دو فرزند دیگرش نیز مجروح و به سایه روشن های دیرپای پیروزی می نگرند، لکن هنوز در مزرعه به سرمی برد" چنین می نویسد:

"وی صادقانه از رییس مجلس خواست تا تکلیف مالکیت زمین های کشاورزی را روشن کند. کیست که چنین صلابتی (؟) را ببیند و برخورد نلرزد (؟)"

می افزاید: "حجت الاسلام رفسنجانی بار دیگر منادی سرور آنان شد و گفت من پیام شما را به امام و مسئولین کشور خواهم رساند" (۶۲/۲/۲۶).

لا بد این هم از "معجزات انقلاب اسلامی" است که در ششمین سال پیروزی انقلاب، رییس مجلس شورای اسلامی، بدون آن که از این "صلابت" برخورد بلرزد، تازه وعده می هد که مسئله "تعیین تکلیف مالکیت زمین های کشاورزی" را با امام و مسئولان کشور در میان می گذارد!

این نمایشنامه باید با شرکت یک دوچین "کشاورزان نمونه" به روی صحنه می آمد: نمونه هایی از همه نوع که "صبح خروس خوان جامه روستایی و ساده خویش را در بر می کند و بر زمین کوچکش می نگرند"، "لباس محلی زیبایی به تن دارد و به لهجه شیرین روستایی صحبت می کند" و با "سرو وضع مرتبی دارد و فارسی را به درستی نمی تواند صحبت کند" و... در میان "نمونه" ها، از دهقان تهی دست و زندگی باخته ای که فرزندان خود را از دست داده و باید از این بابت "نمونه" سایر هم زنجیران باشد تا زمین دار بزرگ ۱۵۰ هکتاری یافت می شود.

"حسین محمدی" یکی از "نمونه" ها در پاسخ گزارشگری که از وی می پرسد؛ چرا به عنوان "کشاورز نمونه" انتخاب شده است به سادگی می گوید:

"حدود ۱۵۰ هکتار زمین دارم. باران خوب بیاید حدود ۱۰۰۰ خروار کندم برداشت می کنم... حدود ۱۰۰ کوسفند دارم که سالی دو بار می زاینند... مشکل اصلی ما کمبود کمباین و وسایل نقلیه است" و با این همه ادعای می کند که: "در روستای ما مالک عمده ای وجود ندارد (۱) (همانجا)

"تا مسئله زمین حل نشود" تا "مالک و کشاورز امنیت نداشته باشند" نمی توانیم کشاورزی را رونق دهیم" و می افزاید: "دولت می تواند با استفاده از بخش خصوصی در پیشرفت کشاورزی اقدام کند".

"هفته کشاورزان" چون همه "هفته" ها و "روز" ها و مراسم و بزرگداشت های غالباً میتدل و مانند بیشتر سخنارهای رنگارنگ میان تهی، جز تسلیم هر چه بیشتر به خواستهای امپریالیسم و تقویت فشار فزاینده سرمایه داری و بزرگ مالکی و تحکیم زنجیر اسارت دهقانان زحمتکش هدفی را دنبال نکرد. "هفته کشاورزان" در حقیقت هفته بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران، هفته بخش خصوصی در عرصه کشاورزی بود. در مراسم برگزاری این هفته نه تنها به دهقان تهی دست و بی زمین - حتی - وعده زمین و آب داده نشد، برعکس دهقانان به قبول اسارت نظام سرمایه داری و استثمار ارباب رعیتی "اسلامی" و تحمل هر چه بیشتر رنج گرسنگی و تیره روزی قرون و فراموش کردن هدف های انقلاب و از یاد بردن آنچه روزی رهبران برای فریب توده ها سروده بودند دعوت شدند.

اگر روزی گفته می شد: "سند همان دست های پییده بسته کشاورزان است" و غارتگران "به پای میز محاکمه" کشانده خواهند شد، اکنون رهبران جمهوری اسلامی بدون آن که حتی به سخنان مکرر گذشته خود رجوع کنند و رنج و ستمی که طی قرون بر توده های میلیونی دهقانان گذشته است به یاد آورند، به رغم خواست های حق طلبانه دهقانان، در شرایطی که فقر و تیره روزی و ستم و غارت و آوارگی و گرسنگی و مرگ و کشتار سراسر روستاها را فرا گرفته است به دهقانان "دلخوشی" می دهند که "امروز این طور نیست، امروز برای اسلام کاری کنید، برای خدا عبادت می کنید... و سخنان خود را چنین پایان می دهند. "بنابراین من از همه کشاورزان تقاضا دارم که در کار کشاورزی جدیت کنند و ما را از این که دستان پیش دیگران باشد نجات دهند" (روزنامه ها).

اما آیا در شرایطی که حاکمیت جمهوری اسلامی در راه تسلیم به امپریالیسم چهار راسه می تازد و پشت سر خود راه را برای سلطه بی منازع سرمایه داری و بزرگ مالکی باز و هموار می سازد می توان چنین "تقاضا" بی را جدی گرفت؟

دز هفت‌ه‌ای که گذشت:

مسابقه جنون آمیز انسان‌کشی

دور جدیدی از کشتار زحمتکشان در کشور ایران و عراق توسط رژیم‌های حاکم بر آنها، آغاز شده است: به دنبال تهدیدات جدید جمهوری اسلامی مبنی بر حمله گسترده به عراق و اعلام چندباره "یکسره کردن کار جنگ"، دولت عراق به این بهانه شهرهای بانه، مسجدسلیمان، دزفول، نهاوند، کیلان غرب و دهلسران را هدف بمباران‌های خود قرار داد.

در این بمباران‌های جنایتکارانه، تنها در بانه بیش از ۶۰۰ نفر از هموطنان بی‌دفاع ما کشته و زخمی شدند و ویرانی‌های بسیاری به بار آمد. در مسجدسلیمان و دزفول ۲۰ نفر کشته و زخمی، در نهاوند ۲۱ نفر کشته و ۱۵۰ نفر زخمی و در کیلان غرب و دهلسران نیز ده‌ها نفر کشته و زخمی شده‌اند. همچنین در حمله موشکی مجدد عراق به دزفول ۱۴ تن کشته و ۱۵۲ تن زخمی شدند.

به دنبال بمباران‌های جنایتکارانه عراق، سردمداران رژیم جمهوری اسلامی اعلام کردند به عملیات انتقام‌جویانه دست خواهند زد. ستاد ارتش جمهوری اسلامی طی اعلامیه‌ای اطلاع داد که ۱۱ شهر عراق را از طریق زمین و هوا مورد هجوم قرار خواهد داد. طبق اخبار منتشره تا کنون ۴ شهر بصره، مندلی، خانقین و زرباطیه هدف بمباران‌های نیروهای نظامی ایران قرار گرفته‌اند. طی این عمل جنایتکارانه تعداد زیادی از مردم بی‌دفاع و زحمتکش عراق کشته و زخمی شده و ویرانی‌های بسیاری به بار آمده است.

این مسابقه جنون آمیز انسان‌کشی در شرایطی صورت می‌گیرد که تدارکات فراوانی جهت به اصطلاح حمله نهایی به عراق، از سوی جمهوری اسلامی آغاز شده است و تمام شواهد حاکی از آغاز قریب‌الوقوع عملیات جنگی توسط جمهوری اسلامی است. بدین ترتیب رژیم ایران کشتارده‌ها هزار تن دیگر از جوانان دو کشور را در جنگ بی‌معنا و خانمانسوز تدارک دیده است.

بر مردم و نیروهای ترقی‌خواه و صلح‌دوست ایران و جهان است که با اعمال فشار بر جمهوری اسلامی جهت تحقق صلح عادلانه میان ایران و عراق، بر این کشتارهای جنون‌آمیز و جنایتکارانه نقطه پایان دهند.

جمهوری اسلامی،

با کمبود "زندان" روبروست!

مفتی گذشته، اعضاء شورای عالی قضایی جمهوری اسلامی طی یک مصاحبه مطبوعاتی اهداف سمینار قضایی جمهوری اسلامی را تشریح کردند. در این مصاحبه اعلام شد، یکی از دوانگیزه تشکیل این سمینار، گردهم‌آیی مقدماتی جهت تشکیل "کنفرانس بین‌المللی قضایی" بوده است.

صانع دادستان کل کشور در مورد اهدافی که

جمهوری اسلامی در تشکیل این کنفرانس دنبال می‌کند گفت:

"در سمینار جهانی قضایی اولین هدفی را که ما داریم اینست که ما به کسانی که در خارج نشسته‌اند و می‌گویند ایران (یعنی جمهوری اسلامی) مردم را بدون حساب می‌کشد و ایران مردم را بدون حساب می‌کشد و محاکماتش حساب و کتابی ندارد، بگوییم که در ایران همه چیز روی حساب است (۱)..."

این آدم‌کشان که خون هزاران انقلابی از چنگ شان می‌چکد و ده‌ها هزار انسان آزاده و دگراندیش را سالهاست در فراموش‌خانه‌های خود تحت شکنجه‌های جسمی و روانی قرار داده‌اند و به خواست تمام انسان‌های آزادی‌خواه مبنی بر بررسی وضع زندان‌های جمهوری اسلامی و دفاع از بی‌گناهان پاسخ منفی داده‌اند، بی‌شمارانه از زبان دادستان کل کشور مدعی می‌شوند:

"... ما می‌توانیم به آنها کیفیت بازجویی‌ها، بازپرسی‌ها و پرونده‌هایی که بعد از پیروزی انقلاب تشکیل شده ... را نشان دهیم که آنها ببینند روی حساب است. این چنین نیست که بلافاصله یک متهی را فوراً اعدام کنند" (جمهوری اسلامی - ۱۰ خرداد ۶۳).

سخنان صانعی نشان می‌دهد جمهوری اسلامی که در اثر بازداشت، شکنجه و کشتار نیروهای ترقی‌خواه کشور در تمام محافل بین‌المللی و قطعنامه‌های سازمان‌ها، مجامع جهانی و از سوی کلیه نیروهای مترقی و دمکرات دنیا به خاطر رفتار وحشیانه و جنایتکارانه با زندانیان سیاسی کشور محکوم شده، تلاش دارد با برگزاری مضحکه‌ای به نام "کنفرانس بین‌المللی قضایی" و صدور قطعنامه‌ای در انتهای آن، به خیال خود افشاکری‌هایی را که علیه آن انجام گرفته، پاسخ دهد. اگرچه همین سخنانی که صانعی بر زبان رانده، اعترافی است ناخواسته به تجاوزات جمهوری اسلامی به حقوق انسان‌ها و ویژه زندانیان سیاسی کشورما.

در واقع سردمداران رژیم چنانچه از افشای جنایاتشان در زندان‌های جمهوری اسلامی وحشتی نداشتند، به جای تشکیل "کنفرانس" خودساخته، به پیشنهادهای سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی جهت بازدید از زندان‌های جمهوری اسلامی پاسخ مثبت می‌دادند.

صانعی سپس با بیان اینکه "اسلام در باب قضا اولویت را به قاضی داده ولی در قوانین دنیا اولویت با قانون است"، اعتراف می‌کند چه بلبشویی در قوه قضاییه جمهوری اسلامی حاکم است. بر طبق این گفته، دست قاضی‌باز است تا هر حکمی را که شخصا ترجیح می‌دهد، بدون وجود هرگونه ضابطه‌ای برای قربانیان خود صادر کند. در یک جمله می‌توان گفت: قانون چنگل‌پر قوه قضاییه جمهوری اسلامی حاکم است.

از سوی دیگر حاکم شرع زندان اوین در گفتگو با

روزنامه کیهان در مورد این کنفرانس و اوضاع زندان‌ها سخنان خود افشاکر و بی‌نیاز از توضیحی به زبان آورد. او در بیان مشکلات زندان‌ها گفت: "همین‌طور در مورد مسئله جابجایی برای اینکه قبل از انقلاب و در اوان پیروزی انقلاب مسئولین فکر نمی‌کردند که اصلاً ما اینقدر نیاز به زندان داشته باشیم. فکری کردیم که همان‌طور که همه مردم آن موقع دست به دست هم دادند و پشت حضرت امام روند انقلاب را در پیش گرفتند و به جلو بردند، یک روز متفرق شده و مسئله به صورتی که فعلاً است در بیاید ... لذا یک مشکل هم کمبود جاست" (کیهان - ۷ خرداد ۶۳).

"جان مردم

دارد به لب می‌رسد"

نماینده رودسرحسین حسینی‌نیا - در آخرین نطق پیش از دستنبرد خود در آخرین جلسه مجلس اول، سخنرانی پر زبان آورد که بیانگر بحران سیاسی - اقتصادی حاکم بر کشور ما و خیانت حاکمیت جمهوری اسلامی به آرمان‌های انقلاب است. او گفت:

"شعارهای علیه خان، سرمایه‌دار، فاسدان و زورگویان یکی از محرکین انقلاب بوده، باعث شد که نیروهای انقلاب در شهرستان‌ها، در خیابان‌ها و در کوچه‌ها علیه آنها سنگر بگیرند."

اما به رغم این تلاش توده‌های زحمتکش و انقلابیون مدافع آنان:

"بعد از گذشت چندی برداران و دوستانی دیگر (و حتماً مکتبی و مسلمان) آمدند و گفتند این نیروهای کار، مطلع، دانا مدیر و مدبرند (پخوان "متخصص مکتبی") و به قول بردارمان آقای پوراستاد اگر مدیر یت خصوصی را از کاواری برداریم تولید از ۲۰۰ تن شیر، به ۲۰ تن کشیده می‌شود."

اوضن بیان این مطلب که:

"من به عنوان کسی که الان بعد از پنج سال در بخشی از انقلاب بوده‌ام، نمی‌دانم که کدامیک از این شعارها درست است و کدامیک از اینها قانونی؟"

و به علت این "ندانستن" (۱) اضافه می‌کند:

"ما بعد از پنج سال هنوز نتوانسته‌ایم به این مردم بگوییم که با کدامیک از این معیارها می‌خواهیم زندگی کنیم ... اگر (خان‌ها، دزدان، غارتگران) می‌خواهند برگردند، به نظر من خیلی صادقانه می‌رسد که ما به این مردم بگوییم، اگر حرف زده بودیم، نمی‌دانستیم آنها از کارایی بیشتری برخوردارند، آنها مدیر و مدبرند."

البته غیرممکن است کسی عضو مجلس باشد و نداند که حاکمیت جمهوری اسلامی با خیانت به انقلاب و پشت کردن به وعده‌های خود در قبال مردم، مدت‌هاست معیارهای خود را به روشنی معین کرده و در راه بازسازی و احیاء مناسبات سرمایه‌داری وابسته کام گذاشته و نه تنها غیرصادقانه که شایدانه و به عبث می‌کوشد این موضوع را از توده‌های مردم پنهان کند. از نماینده رودسرحسین حسینی‌نیا این سخن بالاترین مقام رهبری بقیه در صفحه ۱۶

شورای همیاری اقتصادی و کشورهای در حال رشد

این چارچوب محدود نمی ماند. هم اکنون هزاران متخصص کشورهای سوسیالیستی در آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین به تکامل، آموزش و پرورش کادرهای جوان این کشورها اشتغال دارند. در سال ۱۹۸۲ تعداد متخصصین کشورهای سوسیالیستی در کشورهای جهان سوم ۲۲ هزار نفر بود. در سال ۱۹۸۲ تعداد آنها افزایش یافت. از سوی دیگر کشورهای سوسیالیستی درهای خود را به روی جوانان و کادرهای کشورهای در حال رشد گشوده اند. در ده سال اخیر تعداد دانشجویان این کشورها در کشورهای سوسیالیستی فقط ۲۶ هزار نفر بود. در حالی که هم اکنون در آموزشگاه ها و مدارس عالی کشورهای مذکور ۳۲ هزار جوان آسیایی، آفریقایی و آمریکایی تحصیل می کنند. در سال های اخیر شورای همیاری اقتصادی خودمبادرت به تأسیس آموزشگاه های عالی در کشورهای در حال رشد نموده است. هر چند تأمین کادر آموزشی برای این آموزشگاه ها، یکی از عمده ترین دشواری های این نوع کمک محسوب می شود، ولی با کوششی که به عمل می آید این دشواری نیز به زودی برطرف خواهد شد.

فرآورده های صنایع سنگین خود را تأمین می کند. تمام تولید و تصفیه نفت سوریه و همچنین ۱۰۰ درصد تولید گاز و کود صنعتی این کشور با کمک کشورهای سوسیالیستی به وجود آمده است. در افغانستان ۶۰ درصد نیروگاه های برق، صد درصد صنایع خانه سازی و ۷۰ درصد تولید صنعتی بخش دولتی با کمک کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی ایجاد گردیده است. ارقام نشان می دهند که در بسیاری از کشورهای جهان سوم که تازه سال پیش استعمارگران حتی یک واحد صنعتی نساخته بودند در این مدت با کمک کشورهای سوسیالیستی، واحدهای متعدد صنعتی و کشاورزی ایجاد گردیده است که نقش عمده ای در درآمد ملی ایفا می کنند. این واقعیت که کشورهای سوسیالیستی تا سال ۱۹۸۲ در هندوستان ۳۵۲ کارخانه و موسسه صنعتی؛ در عراق ۲۹۹ کارخانه و موسسه صنعتی، در ایران ۲۱۸ واحد صنعتی و تولیدی، در الجزایر ۱۲ واحد، در افغانستان ۹۹ واحد و در جمهوری خلق یمن ۲۱ واحد صنعتی و تولیدی ایجاد کرده اند از خصلت ملی و انترناسیونالیستی کشورهای سوسیالیستی حکایت می کند. کمک کشورهای سوسیالیستی تنها در

جمله: هندوستان، عراق، سوریه، لیبی، ایران، اردن، اتیوپی، مراکش، تونس، جمهوری خلق یمن، الجزیره، کویت، برمه، سری لانکا، جمهوری عربی یمن، جمهوری دمکراتیک افغانستان، نیجریه، غنا، کینه، موزامبیک و چندده کشور دیگر ۵۰۵۸ واحد صنعتی، کشاورزی، علمی و فنی به وجود آمده است. از این رقم ۲۴۲۱ واحد مورد بهره برداری قرار گرفته است و بقیه به زودی به مرحله بهره برداری خواهند رسید. هریک از این واحدها، بخش بسیار مهمی از ساختار اقتصادی کشورهای در حال رشد را تشکیل می دهد. واحدهای ماشین سازی، ذوب آهن، تولید نفت، تصفیه و بهره برداری، تولید و تلفیظ سنگ های معدنی، ایجاد ترانسپورت و ... هریک، به طور جداگانه پیروزی مهمی در برابر استعمارگران غربی محسوب می شود که جز غارت و نیستی خلق های زحمتکش این کشورها هدف دیگری در سر ندارند.

اهمیت هریک از این مراکز صنعتی برای کشورهای در حال رشد کاملاً عیان است. به طور مثال هم اکنون هندوستان با کمک کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی ۴۰ درصد از ذوب آهن، ۷۰ درصد تولید نفت و ۲۰ درصد تصفیه آن و ۹۰ درصد از

بیش از بیست سال است که کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی به کشورهای در حال رشد کمک می کنند تا گرد استعمار را از چهره خود بزدایند، به آثار و بقایای استعمار پایان دهند و برای خود اقتصادی متحرک و مستقل ایجاد کنند.

در برابر این واقعیت که هدف استعمار از تسلط بر اقتصاد کشورهای "جهان سوم" غارت و ربحان آنهاست، کمک های اقتصادی، فنی و علمی کشورهای سوسیالیستی به کشورهای در حال رشد تنها به منظور بی نیاز ساختن آنان از کشورهای غربی و سرمایه های استعمارگر صورت می گیرد. مناسبات کشورهای سوسیالیستی با این کشورها بر پایه برابری حقوق، احترام به حق حاکمیت طرفین و سود مشترک قرار گرفته است.

در سال ۱۹۸۲ کشورهای سوسیالیستی شوروی، مجارستان، بلغارستان، چکسلواکی، جمهوری دمکراتیک آلمان، لهستان و کوبا با ۹۷ کشور آفریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین موافقت نامه هایی دادر بر ایجاد مراکز تولیدی و صنعتی، علمی و فنی این کشورها امضا کردند. تاکنون با کمک کشورهای سوسیالیستی در بسیاری از کشورهای در حال رشد از

کارگران جهان از صلح دفاع می کنند

اسلامی که با صلح تضادی ناشی ناپذیر دارد، تمام تشکلهای مستقل و واقعی کارگران ایران را سرکوب کرده است. بنابر این طبیعی است که چنین رژیمی در مورد چنین رویدادهای مهم بین المللی ساکت بماند. نمایندگان این رژیم همچنین تلاش کرده اند تا با شرکت خود در گردهم آبی نیکاراگوئه، چهره جنگ طلبانه و ضد کارگری جمهوری اسلامی را بزرگ کنند. کارگران ایران که مدافعان واقعی صلح اند و در سال های اخیر مستقیماً شاهد آثار شوم عفریت جنگ بوده اند، اجازه نمی دهند که ارتجاع جنگ طلب ایران پشت نام کارگران و صلح چهره کریه خود را پنهان کند.

ماه گذشته، کنفرانس جهانی اتحادیه های کارگری بیش از ۱۱۰ کشور در سکو برای دفاع از صلح تشکیل گردید. شرکت کنندگان در این کنفرانس بر خطر اقدامات جنگ طلبانه امپریالیسم آمریکا تأکید کردند و از همه کارگران جهان خواستند تا در امر دفاع از صلح متحد شوند. همچنین اتحادیه های کارگری ۵۰ کشور برای افشای خطر جنگ افروزی ها و مداخلات امپریالیسم آمریکا در آمریکای مرکزی در نیکاراگوئه گردهم آمدند. کارگران جهان در این گردهم آبی ها نشان می دهند که بی گیرترین مدافعان صلح اند. رژیم مرتجع و جنگ طلب جمهوری

دفاتر بسیج و گسترش فرهنگ اسلامی یانهادهای سرکوب و فریب کارگران!

... یعنی به زبان ساده این دفاتر عمدتاً از یک سو بلندگویی تبلیغاتی رژیم در کارخانجات و از سوی دیگر رابط واحدهای کار با ارگان های سرکوبگرند. هرچه کارگران بیشتر به ماهیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی بی می برند، رژیم نیز بیشتر به تبلیغات دروغین نیاز پیدا می کند. هرچه کارگران بیشتر از جنگ بی سرانجام با عراق روی برمی تابند، نیاز رژیم به تبلیغ و تهدید برای جلب آنان به جبهه های قتل عام بیشتر می شود. ولی تجربه نشان داده است که کارگران را نمی توان فریفت.

اخیراً چهارمین گردهم آبی مسئولان دفاتر بسیج و گسترش فرهنگ اسلامی کارگران ادارت کل و امور اجتماعی سراسر کشور در ساری برگزار شد. معاون فرهنگی وزیر کار که در این گردهم آبی شرکت کرده بود، فلسفه وجودی این دفاتر را چنین بیان داشت: "اهداف کار این دفاتر مجموعاً عبارت است از: تحقق آرمان های اسلامی در محیطهای کارگری از طریق بسیج و تشویق کارگران و ایجاد تسهیلات لازم جهت تأمین نیاز ارگان های انقلابی در کارگاه ها... و اعزام مبلغین جهت ارشاد ایدئولوژیک به واحدهای تولیدی

زحمتکشان خوزستان، تأمین خواست‌های خود را می‌طلبند

بقیه از صفحه ۱

گسترده ابراز می‌کنند؛ به ویژه زنان، با شیون و زاری فریاد می‌زنند: ما از جنگ بیزاریم - ما صلح می‌خواهیم.

● در میدان لشکرآباد اهواز که به مناسبت انتخابات فرمایشی حکام جمهوری اسلامی، کار به درگیری و تیراندازی کشیده می‌شود، ۲ نفر از جوانان آن منطقه زخمی می‌شوند، اهالی زحمتکش لشکرآباد به عنوان اعتراض روبروی مسجد محل گرد می‌آیند و به زبان عربی ضمن طرح خواست خود مبنی بر پایان بخشیدن به جنگ، خواستار مجازات پاسدازانی شده‌اند که به سوی فرزندان تیراندازی کرده‌اند. سردمداران جمهوری اسلامی به جای اجرای خواست‌های زحمتکشان عرب، عده‌ای از آنان را دستگیر می‌کنند. این اعمال وحشیانه، خشم مردم زحمتکش عرب را برانگیخته است.

● اهالی مسجد سلیمان که بر اثر جنگ فرسایشی ایران و عراق شمار قابل ملاحظه‌ای از فرزندان خود را از دست داده‌اند، هنگام تشییع جنازه سه تن از شهدای خود تظاهرات گسترده‌ای پیاپی می‌کنند. در این تظاهرات گروهی شعاری دادند: "به

این جنگ لعنتی" و دسته‌ای جواب می‌گفتند: "پایان دهید".

هموطنان جنگ‌زده خوزستانی ما، عموماً مشکلات یکسانی دارند؛ جنگ، آوارگی و دوری از شهر و دیار - تنگی جا و مسکن در اردوگاه‌ها و چادرهای جنگ‌زده خوزستانی - نرسیدن به موقع مواد خوراکی (که گاهی تا یک ماه به تعویق می‌افتد) بی‌کاری (بخش عظیمی از آنان جزو بی‌کاران جامعه‌اند) سطح نازل مستمری جنگ‌زدگی ... (آنان ماهیانه ۲۵۰ تومان دریافت می‌کنند که با توجه به افزایش نرخ تورم، به هیچ‌روی تکافوی گذران زندگیشان را نمی‌کند). آنان به حق می‌پرسند: "سیب زمینی، کیلویی ۲۰ تومان هم پیدا نمی‌شود، برنج کیلویی ۶۵ تومان است، چطور می‌توانیم زندگی کنیم!"

یکی از کارگران نفت در این مورد می‌گوید:

"ما خواست‌هایی داریم که تا کنون، مدت چهار سال است جهت رسیدگی به آنها با کلیه مقامات تماس گرفته‌ایم ولی تا کنون به نتیجه‌ای نرسیده‌ایم، بلکه هر روز یک برجسب به ما می‌زنند و برای اینکه خواست‌های ما را عملی نکنند

به ما تهمت ضدانقلابی می‌زنند. ما بیش از چهار سال است که در قبال این اتهامات دفاع نمی‌کنیم، چون کار و رنج ما، چهره ما، بهترین گواه ما است. آیا وقتی ما می‌گوییم جنگ را پایان دهید - قانون کار طاغوتی را به زیباله‌دان تاریخ بفرستید، می‌بایست بدین وضع تحت فشار، تعقیب، تحقیر قرار گیریم".

با این حال واکنش سردمداران رژیم، تنها "دعوت به وحدت" یا تهدید و زور است:

یکی از فرماندهان سپاه پاسداران که در نماز وحدت اردیبهشت ماه صنعت نفت اهواز شرکت داشت، پس از تهدیدهای فراوان در مورد حرکات اعتراضی اخیر صنعت نفت چنین می‌گوید:

"تا آنجایی که به ما خبر داده‌اند، تعداد بسیار کمی در نماز وحدت شرکت می‌کنند و از آنجا که نماز وحدت، همان‌طور که از اسش پیداست باعث می‌شود بین همه اقشار وحدت به وجود آورد و مشکلات خودشان را برادرانه حل کنند و در آن مدیران مکتبی در مورد حل اختلافات موجود نهایت سعی و تلاش خود را بکنند و از برادران مسئول می‌خواهیم که در مورد شرکت همه

کارکنان، با توجه به همه امکانات کنترل بیشتری بکنند".

در واقع سردمداران جمهوری اسلامی می‌خواهند با تشکیل "نماز وحدت"، بین کارگران و مدیران طاغوتی در پوشش اسلام ضیاءالحقی وحدت به وجود آورند.

کارگران به حق می‌پرسند: اگر آنها خواستار وحدت و تشکل هستند، چرا دستگاه جهنی اطلاعاتی به ارث رسیده از ساواک راه در واحدهای تولیدی هر روز گسترش می‌دهند؟ چرا از جمع شدن کارگران در سازمان‌های صنفی خود جلوگیری به عمل می‌آورند و هر روز مسئولین سندیکاها را مختلف

به سپاه چال‌های رژیم روانه می‌کنند. آنان به خوبی می‌دانند وقتی یکی از فرماندهان سپاه از "برادران مسئول" می‌خواهد از همه امکانات خود برای کنترل کارگران استفاده کنند، یعنی آنکه ساواچای اطلاعاتی در صنعت نفت حرکات اعتراضی کارگران را بیشتر کنترل کنند و آنها را به زور وادارند در "نماز وحدت" شرکت کنند.

در کنار این تشییقات، بی‌اعتنایی به خواست‌های کارگران نفت، همچنان پابرجاست. سردمداران رژیم تقاضای افزایش دستمزد و بهبود بخشیدن به شرایط کارگران را رد کردند و در عوض به ساعات کار آنان افزودند. چندی پیش فدراسیون بین‌المللی کارگران اعلام کرد، فعالیت اتحادیه‌های کارگری او

به دلیل فشار و تضيیقات هیأت حاکمه تقریباً به صفر رسیده است. به این جهت جای تعجب نیست که در ماه اوت سال ۱۳۸۰، حکومت ایران بدون مشورت با اتحادیه‌های کارگری آمرانه ساعت کار ۴۴ ساعته در هفته و یک روز استراحت را برقرار کرد. در صورتی که زمان رژیم سابق و بر اثر مبارزات حق طلبانه کارگران، ساعات کار، ۹ ساعت کمتر بود و ۲ روز در هفته استراحت داشتند.

این خواست‌های به حق، در بیداری که غرضی، وزیر نفت ایران با نمایندگان کارگران نفت چندی پیش از شهرهای مختلف داشت، مطرح شد. ولی پاسخ غرضی هم، چون واکنش دیگر مسئولان رژیم ثمری برای کارگران دربر نداشت. کارگران اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که خود باید برای بهبود وضع خویش اقدام کنند!

اجلاس سالانه سازمان بین‌المللی کار

هفته گذشته، اجلاس سالانه سازمان بین‌المللی کار در ژنو آغاز به کار کرد. این اجلاس با شرکت نمایندگان دول و اتحادیه‌های کارگری بیش از ۱۵۰ کشور برگزار گردید. بحث پیرامون مسئله اشتغال و بی‌کاری در جهان دستور کار اصلی این اجلاس بین‌المللی است.

معضل بی‌کاری یکی از عوارض بحران عمومی سرمایه‌داری است که در تمام جهان سرمایه‌داری دیده می‌شود. در کشورهای امپریالیستی نزدیک به ۳۵ میلیون نفر بی‌کاری دارند. در کشورهای بازار مشترک اروپا اکنون بیش از ۱۲ میلیون یعنی حدود ۱۱ درصد جمعیت فعال بی‌کارند.

در کشورهای در حال رشد مصیبت بی‌کاری ابعاد وحشتناک‌تری دارد.

در این کشورها تعداد بی‌کاران ۵۰۰ میلیون نفر تخمین زده می‌شود.

در مقابل، نمونه کشورهای سوسیالیستی نشان داده است که معضل بی‌کاری را تنها با نفی سرمایه‌داری می‌توان حل کرد. اکنون بیش از نیم قرن است که در اتحاد شوروی بی‌کاری ریشه کن شده است. در دیگر کشورهای سوسیالیستی نیز حق کار در عمل برای تمامی مردم تأمین شده است.

در کشور ما نیز، رشد بی‌بندوبار سرمایه‌داری نه تنها مانع اتخاذ سیاست‌های صحیح اشتغال گشته، بلکه موجب شده است، بیش از پیش بر توده بی‌کاران افزوده شود. اکنون بیش از ۲ میلیون از ۶ میلیون کارگر در ایران بی‌کارند. ابعاد فجایع

ناشی از بی‌کاری در کشور ما چنان است که سخنان عوام فریبانه مسئولین جمهوری اسلامی در این‌گونه اجلاس‌های بین‌المللی قادر نیستند کسی را بفریبند.

همان‌طور که در "پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به کارگران و زحمتکشان ایران به مناسبت اول ماه مه" آمده، "از میان بردن بی‌کاری آشکار و پنهان در شهر و روستا و تضمین اشتغال به مثابه حق مسلم شهروندان"، عمدتاً با "پایان دادن به سیاست‌های ارتجاعی حاکمیت، که در صدد احیاء مواضع سیاسی و اقتصادی کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و امپریالیسم در کشوراند" گره خورده است.

افشای جنایات رژیم در روز کارگر

اوج گیری نفرت و ...

بقیه از صفحه ۵

روزنامه که تحت عنوان "ایرانیانی که به جرم داشتن عقاید ضد رژیم در کشور خود محکوم به مرگ هستند، در تبعید نیز از شریکد مأمورین رژیم در امان نیستند" به چاپ رسیده، جو خفقان موجود در ایران علیه نیروهای مترقی تشریح و اشاره شده است که مأمورین رژیم جمهوری اسلامی، مدتهاست در بسط این جوبه خارج از کشور تلاش دارند و ارتکاب این گونه اعمال به دست "کاندوهای مرگ" که خود را "طرفداران اسلام" معرفی می کنند بخشی از این طرح توطئه آمیز را تشکیل می دهد. نویسنده مقاله بر این امر تأکید کرده است که اکثریت اعضای این "کاندوهای مرگ" را جنایتکاران حرفه ای تشکیل می دهند و در سایه همکاری همه جانبه دولت ایتالیا با ایران، علا تحت حمایت پلیس ایتالیا به سر می برند و "آزادی موقتی" مرتکبین جنایت کاتانیا نیز از زندان، دال بر این امر است.

● روزنامه "لاسیلیا" در تاریخ ۲۴ ماه مه (سوم خرداد) خبر "آزادی موقتی" ۶ تن از ضاربین بازداشت شده را به دست پلیس کاتانیا اعلام داشت. خبر بدین شرح تکمیل می شود که گویا مأمورین پلیس به جنایتکاران آزاد شده که تحت کنترل هستند، اطلاع داده اند، مقدمات اخراج آنان از ایتالیا در دست انجام است.

و بدین ترتیب بار دیگر همکاری میان پاسداران اختناق در ایران و پلیس کشورهای اروپایی در سایه بهره های عظیمی که دولت های سرمایه داری این کشورها از همکاری های "همه جانبه" با دولت ایران می برند، مسلم می گردد.

مأمورین جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی، حتی زمانی که در حین ارتکاب جرم شناسایی و سپس دستگیری می شوند، به سادگی آزاد شده و احیانا ظاهرا از کشوری اخراج می گردند تا پس از آرام گرفتن جو اعتراض محافل دمکرات دوباره به سادگی به کشور بازگردند یا به کشورهای دیگر جهت ادامه اعمال جنایتکارانه خود اعزام شوند.

مسئول سازمان صلح و همبستگی و دبیر سازمان زنان ایالت مادیا پرادش، در رابطه با اوضاع ایران و خطری که جنگ خانمان سوز ایران و عراق منطقه را تهدید می کند، توضیحاتی داد. این تقاضاها با پخش اعلامیه هایی علیه جنگ ایران و عراق و اختناق و شکنجه در ایران که به امضای گروه زیادی از سازمان های مترقی این ایالت رسیده بود، به پایان رسید. خبر برپایی این تقاضاها به طور وسیع در روزنامه های محلی ایالت مادیا پرادش منعکس گردید.

● در روزهای ۲۷ و ۲۸ آوریل (۷ و ۸ اردیبهشت) نمایشگاه طرح، عکس و کتاب در رابطه با صلح جهانی، جنگ ایران و عراق و اوضاع سیاسی ایران در محل دانشگاه هیماچال پرادش برگزار شد. نمایشگاه مذکور که توسط فدراسیون سراسری دانشجویان و فدراسیون دانشجویان هند ترتیب داده شده بود، توسط رییس



بخش حقوق دانشگاه و حقوق دانان برجسته هندی، آقای مسیح افتتاح گردید و طی دو روز، گروه کثیری از مردم آن را مورد بازدید قرار دادند و در دفتر یادبود نمایشگاه مطالبی مبنی بر خواست قطع جنگ با عراق، آزادی زندانیان سیاسی و پایان دادن به پیگرد، شکنجه و اعدام دگراندیشان ایران و ابراز همبستگی با مبارزان در بند رژیم جمهوری اسلامی حک کردند.

کمیسیون ارتباطات انجمن همبستگی اتحادیه ها در ایران خوانده شد. شرکت کنندگان و سخنرانان در جلسه ضمن اعتراض به اعمال وحشیانه رژیم حکومتی در مورد اعمال حکومت ترور و اختناق و پیگرد و شکنجه و کشتار زحمتکشان ایران، خواهان آزادی دمکرات ها، سندیکالیست ها و اعضا و هواداران حزب توده ایران از بند و همچنین خاتمه جنگ میان ایران و عراق شدند.

هندوستان

بیست و هشتم آوریل (هشتم اردیبهشت) تقاضاها با شرکت دانشجویان فلسطینی، عراقی، فدراسیون سراسری دانشجویان و فدراسیون سراسری جوانان هند، فدراسیون دانشجویان و سازمان سراسری صلح و همبستگی هندوستان شهر بویال واقع در ایالت مادیا پرادش، علیه جنگ ایران و

در مراسم راه پیمایی اول ماه مه در لندن هواداران حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) شرکت کردند. شرکت کنندگان به افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی علیه نیروهای مترقی میهن ما و به ویژه شکنجه و کشتار زندانیان سیاسی پرداختند. در این راه پیمایی "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران" با توزیع اعلامیه های متعدد توجه افکار عمومی و محافل اجتماعی بریتانیا را جهت اعمال فشار به حکام جمهوری اسلامی در خصوص قطع تضيیقات علیه آزادی خواهان ایران و آزادی آنان هم چنین قطع جنگ ایران و عراق جلب نمود.

نمایندگان اتحادیه های کارگران جهان بار دیگر از حزب توده ایران پشتیبانی می کنند

در مراسم جشن با شکوهی که به مناسبت اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران جهان در لندن برگزار شد، نمایندگان برجسته جنبش کارگری بریتانیا و نمایندگان اتحادیه های کارگری کشورهای مختلف جهان بار دیگر پیوند و همبستگی کارگران جهان را از زحمتکشان و کارگران ایران و سازمان های صنفی و سیاسی آنان، به خصوص حزب توده ایران اعلام داشتند.

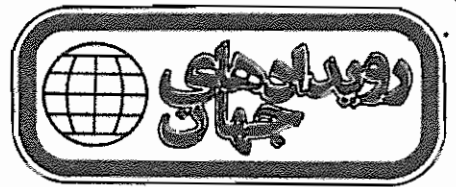
در این مراسم، دن جونز، رییس شورای کارگران شرق لندن، رییس شورای کارگری شیلی در بریتانیا، آلف لاس، عضو پارلمان اروپا؛ نماینده اتحادیه معدنچیان بریتانیا؛ جیم لیسل، عضو شورای مرکزی شورای جهانی صلح منشی کمیته سیاسی تعاونی های بریتانیا؛ نماینده اتحادیه های مترقی ترکیه (دیسک) و هم چنین نماینده اتحادیه های کارگری پرتغال (انترسندیکال) شرکت داشتند.

در این جلسه به نمایندگی از کارگران و زحمتکشان ایران پیام

عراق انجام گرفت. تظاهرکنندگان ضمن حمل شعارهایی از جمله خواست پایان جنگ، آزادی زندانیان سیاسی، پایان دادن به پیگرد، شکنجه و کشتار میهن دوستان ایران، زنده باد حزب توده ایران و زنده باد سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، بر اجرای این خواست ها و برقراری صلحی عادلانه که به نفع خلق های منطقه باشد، تأکید ورزیدند.

در گردهم آیی پایانی، خانم روحی

با گسترش موج همبستگی بین المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم



ناتو، افزارتدارک جنگ تجاوزی

هفته گذشته شورای پیمان آتلانتیک شمالی در پایتخت ایالات متحده آمریکا تشکیل شد و سندی را به عنوان "اعلامیه واشنگتن" تصویب کرد. از محتوای سخنرانی‌ها و متن این سند مشاهده می‌شود که ناتو همچنان به عنوان افزاری برای تجاوز به سود محافظ نظامی‌گرا و قبل از همه در ایالات متحده آمریکا به کار گرفته می‌شود. این جلسات ثابت کرد که ایالات متحده و دیگر کشورهای دارنده جنگ افزار هسته‌ای و عضو ناتو حاضر نیستند این تمهد را بپذیرند که در کاربرد جنگ افزار هسته‌ای پیش‌دستی نکنند. تعهدی که اتحاد شوروی دیگر آن را تقبل کرده است. کشورهای عضو ناتو در برابر پیشنهاد کشورهای عضو پیمان ورشو مبنی بر بستن قراردادی به منظور خودداری متقابل از کاربرد نیروی قهر و برقراری مناسبات مسالمت‌آمیز نیز واکنش از خود نشان ندادند و آن را به سکوت برگزار کردند.

حزب کمونیست لبنان، میهن پرستان را به یگانگی دعوت می‌کند

حزب کمونیست لبنان از همه میهن پرستان کشور دعوت کرده است در یک جبهه دمکراتیک ملی متحد شوند.

وظیفه اصلی این جبهه، بیکار برای آزاد کردن جنوب لبنان از اشغال نیروهای اسرائیل خواهد بود. حزب کمونیست لبنان تأکید می‌کند مبارزه برای آزاد کردن جنوب کشور و برقرار کردن مجدد وحدت ملی، استقلال و حق حاکمیت لبنان باید همزمان انجام شود.

در سند کمیته مرکزی حزب کمونیست لبنان بیرامون وضع موجود در کشور گفته می‌شود، اکنون

اتحاد نیروهای ارتجاعی لبنان تمام امکانات خود را به کار گرفته تا موفقیت‌های به دست آمده توسط نیروها و سازمان‌های مترقی و ملی را نابود سازد. از این نظر یگانگی این نیروهای ملی و مترقی باید مستحکم‌تر گردد. وحدت نیروهای ملی و مترقی وثیقه ایست برای موفقیت در حل مسائل کشور و از جمله تحقق اصلاحات سیاسی و اجتماعی - اقتصادی و برطرف کردن نظام کهنه شده تقسیم قدرت برحسب علامت وابستگی مذهبی.

نگاهی به نتایج انتخابات در مصر

حزب حاکم دمکرات ملی اکثریت مطلق یعنی تقریباً ۷۲ درصد از آراء داده شده و ۲۹۱ کرسی از مجموع ۴۴۸ کرسی مجلس را به خود اختصاص داد. حزب وفد جدید ۱۵ درصد آراء و ۵۷ کرسی به دست آورد. سه حزب دیگر یعنی حزب ملی مترقی (چپ)، حزب سوسیالیستی کار و حزب لیبرال سوسیالیست کمتر از ۸ درصد آراء را به دست آوردند و موافق قانون انتخابات نتوانستند نمایندگان خود را به مجلس بفرستند. به دیگر سخن، آراء حدود ۱۲ درصد از رأی دهندگان در نظر گرفته نشد. بدین ترتیب در مجلس آینده مصر تنها یک حزب وفد جدید وارث حزب وفد، یکی از قدیمی‌ترین احزاب بورژوازی مصر است که در سال ۱۹۵۲ منوع شد و در سال ۱۹۷۸ از اجازه فعالیت یافت. ناکفته نباید گذاشت که در میان ۵۷ نماینده حزب وفد جدید، گروهی هم از اعضای جمعیت ارتجاعی "اخوان المسلمین" به مجلس راه یافته‌اند. یعنی بورژوازی بزرگ مصر دست در دست قشری‌ترین و ارتجاعی‌ترین محافظ اسلامی دارد.

مطبوعات دولتی مصر، البته انتخابات را دمکراتیک "آزاد" معرفی می‌کنند. ولی نیروهای مخالف، درستی آن را مورد تردید قرار داده‌اند و از جمله فواد سراج الدین رهبر حزب وفد جدید اعلام داشت، حزب حاکم نتایج آن را از پیش تنظیم کرده است.

در عین حال باید یاد آور شد که به جز نمایندگان انتخاب شده، حتی مبارک رییس جمهور هم ۲۰ تن را به نمایندگی منصوب می‌کند. این رسم از زمان

به شهادت می‌رسانند) تا آنجا که ما می‌دانیم چراغ سبز داده شده است. عده ای از خارج پر کشته‌اند و عده ای در حال پر کشتن هستند."

اوپس کارنامه سیاه جمهوری اسلامی را در جهت خودکفایی و تأمین زندگی زحمتکشان بدین صورت ارائه می‌کند:

"به جای تولید بیشتر، روزه روز واردات بیشتری داشته باشیم. به جای ۵۰۰ هزار تن گندم، ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تن گندم وارد کنیم (و اعلام جهاد تخلیه بندر بدهیم!) مستضعفین و مردم را از پای در بیاورد و مستضعفین و مردم نتوانند زندگی کنند ... جان مردم دارد به لب می‌رسد ... واقعیت اینست! مردم بزرگوار ایران، مردم انقلابی ایران! من معتقدم که بعد از پنج سال ما مانده ایم ..."

سادات همچنان به جای مانده است. یک نکته قابل توجه اینست که از حدود ۱۲/۵ میلیون نفر که نامشان به عنوان انتخاب کننده ثبت شده بود، تنها ۵ میلیون نفر، یعنی ۴۲/۱۴ درصد در انتخابات شرکت کردند. از این آراء هم ۱۷۶ هزار رأی غیر معتبر اعلام شده است. برای جمعیت ۴۷ میلیونی مصر که همه شهروندان بالای ۱۸ سال حق انتخاب کردن دارند، قاعدتاً باید حدود ۲۰ میلیون رأی دهنده وجود داشته باشد. بنابراین دادن حق رأی تنها به ۱۲/۵ میلیون نفر از رأی دهندگان و شرکت کمتر از نصف آنان در انتخابات نشان می‌دهد که مجلس آینده مصر در بهترین حالت - اگر تقلبات هم در نظر گرفته نشود - تنها نماینده کمتر از ۲۵ درصد از اهالی است و آراء ۷۵ درصد اهالی را پشت سر خود ندارد.

توجه

با انتشار مجدد "نامه مردم"، ارگان مرکزی حزب توده ایران اعضاء، هواداران حزب و مردم ایران امکان یافته‌اند برای آگاهی از سیاست، موضع گیری، خط مشی، تصمیمات و اقدامات حزب توده ایران از این سرچشمه اصلی بهره ور گردند. از این رو، "راه توده" که با الهام از مواضع حزب توده ایران و از سوی سازمان‌های حزب توده ایران در خارج از کشور منتشر می‌شود ضمن اینکه خود را موظف به تبعیت کامل از خط مشی "نامه مردم" می‌داند از این پس هر دو هفته یکبار منتشر خواهد شد.

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در

کانادا

هزینه چاپ این شماره "راه توده" را
تأمین کردند

RAHE TUDEH

No. 95

Monday, 11 June 84

Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
1	DM	Italy	600
France	3	Fr.	U.S.A.
Austria	8	Sch.	Sweden
			3
			Skr.



در هفته‌ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

جمهوری اسلامی در مقابل شورای نگهبان را شنیده باشد:

"اگر قبلاً اشتباه کرده باشیم، باید صریحاً بگوییم اشتباه نموده‌ایم این معنی ندارد که من بگویم چون دیروز حرفی زدم، باید روی همان حرف بمانم."

سخنان بعدی نماینده مجلس این موضوع را روشن می‌کند:

"نیروهای انقلابی هیچ تأمین ندارند (آنها را گروه گروه به اسارت می‌برند، شکنجه می‌کنند و